

ضمیمه سیاسی خبری 'رزمندگان' ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
دوشنبه ۲۳ مرداد تک شماره ۱۵ ریال شماره ۲۳

پیک رزمندگان

کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند.
کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت
تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به
قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان
و روشنفکران انقلابی متکی هستند.
ولادیمیر لنین

بحث
بعد از

مرگ شاه!

روزهای گل‌وله و آتش و خون
آخرین ماه‌های حکومت شاه
انقلابیون هرگز فراموش
نمی‌کنند. لحظات ثروتمندی با
های حکومت یکی از بزرگترین
ن جلادان تاریخ، وصحنه‌های
شکوه جانبازی زحمتکشانی
درستگری به وسعت ایران
به‌های خود را آماج گل‌وله
ی سرب‌ی کرده بودند، خاطره
ی نیست که کسی بتواند آنرا از
ادبیرد اما اینک که چندیست
وزارت خیرمرگ آن جنايتكار
ون آسام، قلب‌های پیرکننده
حق ستمیده ما را التیام
می‌بخشد، و در روزهایی که هجوم
شیا نه رژیم جمهوری اسلامی
آزادی و دستاوردهای قیام
وز به روز بیشتر افزایش
ن باید، در میان انبوه وقایع
اهای آخر حکومت شاه تا غن
دف و معنی شعار معروف "بحث
مدا زمرگ شاه" بیش از پیش
وشن میشود. بقیه در صفحه ۳۰

حقایق، جلادان رفیق شهید
تقی شهرام
را رسوا و اترمی کند!

در صفحه ۷۴

گرامی باد ۱۴ مرداد

سالروز انقلاب مشروطیت!

به دنبال مبارزات دلا
ورانه خلق قهرمان ایران روز
۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمان مشروطیت
ما در شوقی آن خلق ماکه قریبا
زیر یوغ ستم و استعمار شاهان
دیکتاتور و مطلق‌العنان به
سر میبرد، دارای مجلس شمس
مجلسی که میتوانست نمایند
گان خود را در آن بفرستد و از طر
بق آنان بر قوانین و اعمال
دولت نظارت کند.
این مبارزات در پی سالها
ستم و فشاری که فتوایها و حکو
مت قاچار بر خلقی‌های ایران
وارد می‌آورد، فحطی، گرسنگی
و فقر ناشی از آن، دهها سال
نفوذ استعمارگران اروپایی،
تحت تاثیر انقلابات و مبار
زات خلقهای سائیر کشورها

بقیه در صفحه ۱۴۰

شاه
دوباره
مرد!



دیکتاتور مرد! این مر
گست که برای میلیونها تن بوده
کا رگرو زحمتکش و دهها هزار غاب
نواده شهید داده و هزاران زنند
انی سیاسی شکنجه شده در زند
انهای مخوف رژیم سابق
خوشحال کننده است. کسانی
می‌میرد و دنیایی را اندوه
فرامی‌گیرد و کسی نمی‌میرد و مر
دم به رقص و پایکوبی مشغول
میشوند!

بقیه در صفحه ۱۲۰

آیا مجاهدین
خلق از مبارزه
طبقاتی درس
می‌گیرند؟!

در صفحه ۱۶۰

در صفحات دیگر می‌خوانید:

بالتو قانون سود ویژه: رژیم بار بخوان

اقتصادی را بردوش کارگران می‌اندازد!

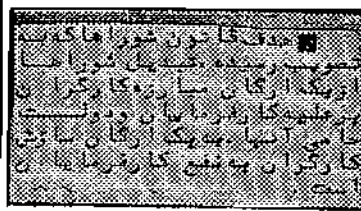
● اخبار کوتاه

● اخبار کارگری

● اخبار کردستان قهرمان

● ۹۰۰۰

قانون اختیارات شوراهای
تهاجم



جدید حکومت برای

سربوب شوراهای واقعی

در صفحه ۳۰



پیام بمناسبت میتینگ یادبود رفیق شهید محمد تقی شهرام

پیام بمناسبت مراسم یادبود رفیق شهید محمد تقی شهرام در محله ۲۰

انقلابیون هلاک گشتند!

زنده باد انقلاب!

۵۸/۱۸

- زنده باد سوسیالیسم. قربا دیست که در میدان اعدام اولین لریزه براندام کزبه اجتماع افکند!
- زنده باد سوسیالیسم. قربا دیست که از گلولی یک کمونیست راستین و یک انقلابی خستنی نا پذیرد و اولین لحظات حیات پرافتخارش در آسان انقلاب ایران نشین افکند!
- زنده باد سوسیالیسم. قربا دیست که مهرنا شه بر مبارزات انقلابی کمونیستها کوشت!
- زنده باد سوسیالیسم. قربا دیست که بهیروزی بیولتا ربا را در افاق پیرخلالو مبارزات طبقاتی نویداد!
- زنده باد سوسیالیسم. آخرین قربا در رفیق تقی شهرام در لحظه اعدام است!

مرد

اعدام خود را مضاء کرد و فرمان آتش به جانیته کاران جوغه اعدام را نیز خود را در نمود. هبات حاکمه در واقع رفیق شهرام را بر سر "دوراهی" قرار داده بود. یکطرف خیانت به انقلاب و خدمتگزاری اینان و طرف دیگر جان فدا کردن در راه انقلاب. این برای هیچیک از کمونیستهای راستین هیچوقت دوراهی نیست. بلکه از غار یک راه است و آن راه انقلاب. راه طبقه کارگر و سوسیالیسم است و چه پیشتر یا نه در داکا و شرف شهرانی جلاد، این مزدور شکنجه گر با واک را بر رخ رفیق قهرمانانمان میکشیدند. کدا و شرف داشت و

آنچه را که ما میخواستیم بر زبان آورد و از خداوند علشان طلب بخشش و مغفرت برایش نمودند. آری شایسته هگی شرف داشتند، اما شرف سرمایه داران، شرف چاگری سرمایه و شرف مزدوری جمهوری اسلامی. اما برای کمونیستها این شرف بدرجه پیشرفتی همچون شما میخورده. شرف کمونیستها، شرف طبقه کارگر است، شرف کمونیستها خدمت به طبقه کارگر است. رفیق شهرام با اعلام آمادگیش برای شهادت شرافت کمونیستها و وفاداری آنان راه آرمان طبقه کارگر را با جان خود خرید. او امروز است آنجیزی که حاکمین جمهوری اسلامی را بخشم می آورد و دم از شرافت شهرانی ها میزنند.

ای حاکمین جمهوری اسلامی!

ای چاکران و خدمتگزاران سرمایه!

وای دشمنان قسم خورده انقلاب و انقلابیون!

بدانید، آنکس که با قربا د زنده باد سوسیالیسم خوش بزمین ریخته میشود، نمرده و نخواهد مرد چرا که سوسیالیسم زنده است، طبقه کارگر زنده است و انتقام خون ریخته شده اش را از جلادانش خواهد گرفت. بمرزید بر خود! بمراسید! زیرا که خون رفیق شهرام بزمین نخواهد خشکید چرا که در زمان ما جاریست.

سهرودم که میگذرد گارنا مه سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی کا ملتر و کا ملتر میشود و این اعدام رفیق تقی شهرام است که برسیهای آن افزوده است. دادگاه فرمایشی "عدل اسلامی" با متوای خود به زندگی پرافتخار یک کمونیست راستین "پایان" داد و با جوغه اعدام خود بدین شرک او را به رگبار بست. جمهوری اسلامی با اعدام رفیق شهرام دشمنی آشکار و سازش ناپذیر خود را با طبقه کارگر و شما می زمختکشان ایران بنمایش گذارد. جمهوری اسلامی میخواهد با اعدام و کشتار کمونیستها و بغض رفیق شهرام در واقع صدای رمای کارگران و زمختکشان را خفه کند. اما چه زیبا رفیق شهیدمان در سیدادگاه "عدل اسلامی" گفت که "تاریخ دوبار تکرار میشود و اول ترا زد و دوبار دوم کمیدی". مگر جمهوری اسلامی نمیداند که کمونیستها تنها در وجود خود حیات ندارند، بگریسید! اند که کمونیستها در قلب طبقه کارگر، در گامهای استوار و بیولادین کارگران برای سرنگونی ایشان، در سوت کارخانه ها، در بازاران برنوا ن کارگران و در چشمان بزرگین کارگران از استقامت سرمایه داران زنده اند. حاکمین جمهوری اسلامی این مدافعین تازه آزار رسیده سرمایه و این چاکران سرمایه داران بدانند که خون رفیق تقی شهرام در رگ تمام کمونیستها جاری است! آری تقی شهرام شهادت رسیده اما کمونیسم زنده است، کمونیسم هیچگاه نخواهد رفیق تقی شهرام تا پای جان تا آخرین قطره خون سرخ خود به انقلاب و به طبقه کارگر وفادار و استوار ماند. جمهوری اسلامی که بغیر از خام خود میخواست که حاکمه او را به سرکهای بسطی افشای کمونیستها و بنا هدین خلق تبدیل سازد، چه ماده لوجانسه و کودکانه اندیشیده بود که شهرام سرشتمیم در برابر ایشان فروود خواهد آورد. رفیق با تحریم جلسات سیدادگاه و عدم شرکت در آن در حقیقت از همان آغاز تا مدتی خود را برای شهادت در راه انقلاب اعلام نمود و از هتاد که بهمان در اردوگاه انقلاب به غامی برای استفاده و فدا انقلاب تبدیل شود. آری رفیق قهرمانان خود حاکم

روزمندگان طبقه کارگر (م-ل)

۵۹/۵/۱۰

بالغوقانون سود ویژه:

رژیم بار بحرانی اقتصادی را بردوش کارگران می اندازد!

حمله وهجوم همه جانبه رژیم جمهوری اسلامی به طبقه کارگر همچنان ادامه دارد. بعد از تصویب اضافه حقوق ۶۸ درصدی، موج اخراج خدا انقلابی کارگران و تصویب قانون دکارگری شوراها، هیئت حاکمه با "لغو سود ویژه کارگران" کما ر دیگر ماهیت ضدکارگری خود را نشان داد.

در شرایطی که با واقعی بحران اقتصادی حاکم بر دوش کارگران میهن ما سنگینی میکند، در شرایطی که گرانترین مایه آبرو کالاهای بیگاری، کمر کارگران و زحمتکشان ما را می گزید، در چنین شرایطی حکومت دستمزدها و مزایای غصبی کارگران را نیز که به هیچ وجه کافی رفع نیازهای اولیه طبقه کارگر را نمیکند کاهش میدهد.

اگرچه رژیم شاه از قانون سپیم کردن کارگران در سود ویژه هدفهای ضدکارگرگانه را دنبال میکرد، ولی هیچگاه نتوانست به هدفهای خود برسد. کارگران همواره سود ویژه را بخشی از حقوق مسلم خود میدانستند و میدادند در زمان باه و همبطور جمهوری اسلامی، بسیاری از اعتصابات و مبارزات کارگری بر سر مسئله سود ویژه و میزان آن بوده است.

رژیم جمهوری اسلامی با این کار خود سیاست را اقدامات ضدکارگری دیگر نشان میدهد که به تنهایی در جهت مایه مایه کارگران و زحمتکشان بر نمی آید بلکه تمامی عملکردهایش با مایه مایه کارگران است. رژیم جمهوری اسلامی میخواهد با بیلبونهای بومان هزینه های سنگین نگهداری ارتش و پاسدا، آن و تحمیرات آنها از قبیل توب و تانک را که در حوضیک ردهستان بر علیه خلق گردید کامیورود، بردوش کارگران بیدارد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد هزینه نگاهداری هزاران پاسدا را که در سراسر ایران کاری جز سرکوب کارگسگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی ندارند، به دوش کارگسگران باندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد میلیونها بومان بای راکه بایات جنابات ارتش و پاسدا را باندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد هزینه میلیونها بومان بای راکه از بودجه مملکت صرف کارهای تبلیغاتی مختلف حکومت، حقوق و مزایای مدیران و سایر مرفعت خوران میشود به دوش کارگران باندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد غوارض بحران اقتصادی با معراکه ناشی از سیستم پوسیده سرمایه داری وابسته و بیستهای خدا انقلابی حکومت است به قیمت فقر و کاهشتن دستمزدهای کارگران ببران سازد. و چرخهای زندگی ده مطا هر سرمایه داری وابسته را با تحت فشار قرار دادن کاران و محرومیت هر چه بیشتر آنها به راه اندازد. و شرایطی برای سرمایه داران و بایزاریان چپاول گرومفت جور فراهم میکند تا غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان و بگران کردن برجه بیشتر کالاهای سرمایه های هر چه بیشتری باندازد. و بایزارها بایزارهای مجددان با زهم به چپاول گری ادامه دهند.

کارگران مبارز و آگاه! بحران اقتصادی سیاسی کنونی حاکم ما ناشی از حاکمیت سیستم سرمایه داری وابسته است. رژیم جمهوری اسلامی که با تمام نیرو در جهت حفظ سیستم کوشش میکند سعی دارد با راهزنیهای اصلی این بحران را به دوش کارگران و سایر زحمتکشان باندازد. کارگران چاره ای جز مبارزه ندارند. و برای مبارزه بایدارگاه متحد باشند.

ما مبارزه متحدانه خود جلوتها جم رژیم را برای کاس دستمزدها و دیگر مزایای کارگران بگیریم.



از خون سرخمان دریغ نخواهیم کرد!

ای میوه چپان قیام، توده ها!
ای پاسداران جدید سرمایه!
ای ننگ و نفرت بر هرجا حثان!
اعدادمان کنید! (با حکم)
بیدارگاه خدا انقلاب!
تیربارانمان کنید!
و پریشان کنید گلیوته های خونمان
بر دیوار و بر در زندان اهواز،
واوین،
و آبادان...!
گلگون کنید خاک مزارع و سنگفرش
حیابان.
در سراسر ایران!
از خون سرخمان دریغ نخواهیم کرد!
و از پای نخواهیم نشست!
تا ریخ را گواه: که ما کمونیست ها
ارپای نخواهیم نشست!
ما از سنگزهر کارخانه،
از کوچه های "سپورآباد"،
از قعر گودهای "دروازه غار"،
بر علیه تان خواهیم جنگید!
و از پای نخواهیم نشست!

به یاد رفقای انقلابی:
مفتی شهرام
دکتر کریمیان
مهندس علوی خوشنویس
احمد خونی
معمود بنیادی
منوچهر جعفری
آقایان رفقا و همکاران
فرامرز جمعی
و سایر دوستان (کاکا خاکی)
که در راه آزادی کارگسگران
و زحمتکشان خون بر خستید
بسیاست دلاوران رژیم شاهنشاهی
و جمهوری اسلامی ایران

ما از دل شوری ترکمن محراب،
از کلبه کلبه های هروسبای کردستان
این قلب پر طیش انقلاب خلقت
ایران،
و بایه پای "یزله" مردانه ی دلا
وران خلق عرب،
ما شما ستیز خواهیم کرد!
و عاقبت
بهمراه با اردوی بی شمار کار
سنان نظم سرمایه را،
نابود خواهیم نمود!
با خاکسترمان - انبوه -
ژرفای دره عمیق میان کابیتها
لیسم و سوسپالیسم را
لبریز خواهیم نمود!
از خشم توده های خلق
عظیم ترین آتش ها را بر خواهیم
افروخت
و شما را نیز
ای دشمنان انقلاب!
در آن آتش عظیم
خواهیم سوخت!

توسط هواداران سازمان منتظران

روزندگان بلوچستان

سال اول - خنبد ۵۹/۳/۱۸ شماره ۵

تیمت - وادار

سازمان روزندگان بلوچستان

بلوچستان و بلوچستان

چرا در بلوچستان، هر
تصفیه ادارات
پاسداران دست در ده
فرماندهان امریکایی
از زبان زحمتکشان
فرنگیان مبارز.....

اطلاعیه

سرمقاله

رفیق تنی شهرام را در خنجر کرد.

ارتجاع حاکم پس از ماها شکنجه و آزار جسمی و روحی که روی دژخیمان شاه را سید می کرد، نتوانست درمی در اراده انقلاب بی و خلل باید بررسی شهرام خللی ایجاد کند، و با وجود آنکه بارها و بارها در مواقع مختلف پس در نبال اعمال فشار، باید آزادی بسراغ وی می رفتند، اما کوچکترین تردیدی در عزم راسخ و اراده پولادین وی وجود نداشت، و همچون کوهی استوار در برابر ارتجاع مقاومت می نمود، و سرانجام با دفاع قهرمانانه خویش در بیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی در آخرین دقایق حیات جوشیده افشای ماهیت ضدانقلابی هیأت حاکمه همت گماشت، و برگ زرین دیگری بر کتاب مدافعان انقلاب بی قهرمانان شهید ایران اضافه کرد، و لکه ننگی ابدی بر دامن خرد و پرورازی حاکم فروگرفت، لکه ننگی که با آب زمزم و کوثر و تمام اوراد و دعا های آسمانی هرگز از لوح وجود اس حکومت پاک نخواهد شد، خرد و پرورازی حاکم که از خوف پیشرای امواج انقلاب هر آن پیشرو پیشترو حشود، نمی گردید، از بیم آنکه مباد این انقلابی بزرگ مدت نود و هشتاد و نه سال ازاد شود و عطش انتقام آن ساکنان بماند با سب و وحشت دست به محاکمه و قتل حاکم رفیق شهرام زد، محاکمه بی که نظیر تراحتی در طول رژیم سفک و جانی پهلوی ندیده بودیم، محاکمه که در آن نه از شتم "حبری بود، و نه حتی از وکیل متمم" این سلفه گان رژیم حاکم حتی اجازه ورود وکیل رفیق شهرام را به دادگاه ندادند، آنها حتی نگذاشتند که وکیل رفیق شهرام کوچکترین ملاقاتی با وی داشته باشد، و از همه مهمتر اینگونه تحمل شدن آخرین دفاع این "متمم" انقلابی را نداشتند، چونکه هر کلمه از سخنان وی تیری بود که بر قلب رژیم جمهوری اسلامی فرو می نشست، اینان حتی از همان اولین جلسه دادگاه رفیق شهرام زخم خورده و غیظ آلود هستند، شهرام این انقلابی بزرگ، این کمونیست قهرمان در آخرین دقایق عمر خویش نیز در کجایش کمونیستی و انجام وظایف خود بود، او که از حکم اعدام خویش اطلاع یافته بود، با قلبی مالا مال از عشق به آرمان طبقه کارگر که کمونیستها توصیه وحدت و همبازی می نمود، و آنها را دعوت به وحدت نسرای تحکیم صفوف جنبش کمونیستی و مقابله با توطئه های قریب افروغ حکومت می کرد، و پس از آن در لحظاتی بعد به سه تاریخ پیوست، و برگ زرین و پر شکوه ستارخ جنبش کمونیستی ایران افزود.

او با سکوت انقلابی و مقاومت قهرمانانه خویش در برابر فشار حکام مرتجع مشحون بر دامن هیأت حاکمه گرفت و نغمه های شان را در ایجاد محاکمه بی نمایی بر طبقه نیروهای انقلابی نقش بر آب ساخت، و از محاکمه خود، وسیله ای در جهت هر چه بیشتر آگاه نمودن نوده های مردم ایجاد نمود.

آما در مقابل سکوت انقلابی او، ما با سکوت سازشکارانه و حیوانانه دیگران روبه رو بودیم، سکوتی که از ترس و وحشت برای خام و آمیخته بود، احساس کربهای میثات گزایانه و محافظه کارانه در قبال رژیم حاکم.

این کسان که رهبران سازمان مجاهدین خلق از آن جمله اند، بجای آنکه به امواج توفند انقلاب و گامهای رویه پیش نوده، هاسند بندگان و اتکای آنها، محاکمه ضد انقلابی رفیق شهرام را محکوم نمایند، مفلوکانه موضعی سکوت آمیز، اما سکوتی محافظه کارانه و فرص طلبانه پیش گرفتند، آنها از ارائه اطلاعات موجود در نزد خویش که بخوبی می توانست ادعای بوج رژیم حاکم را خنثی کند، خودداری نمودند، رهبران سازمان مجاهدین خلق از ارائه سواهد و مدارکی که درباره فاطمه فرتوک، خواهر سعیدی و شهادت، و غارهای و غره در اختیار داشتند، سواهد و مدارکی که بخوبی بوجی و بی باکی اینها را به دستهای خانانه رژیم را در مورد رفیق شهرام اضاء می کردند، مضایقه کردند.

دفاع قهرمانانه و ایستادگی عجز و ار رفیق شهرام در برابر حکومت جمهوری اسلامی و بیدادگاه ضد انقلابی آن، عظمت روح انقلابی این کمونیست بزرگ را بر ما ثابت می کند، و در عین حال مشحون محکمی است بر دامن کف آلود ضد انقلاب، و نیز نقطه اختلافی با فرصت طلبان و سازشکاران، و نشان داد که کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند، آنها فقط قدرت طبقه کارگر و سازشکاران و روشنفکران انقلابی متکی هستند.

افتخار و سرافرازی همیشه از آن انقلابیونی است که در برابر ضد انقلاب تن به سازش نمی دهند!

درود به روح پر عظمت رفیق شهرام!

درود به روان همه شهدای خلق!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

۵۹/۵/۳

فر آر

آن رنگ حقیقت بخشد، ایست تجلی دیکراسیم تا سیکرو متر لیزر - خرد و پرورازی ای بی بینیم کسم هیچ نشوری ما ز شکارانه و پورنو - نیستی در اوضاع کنونی نمیتواند حرکات ضد انقلابی حکومت و با جناحی از آنرا تطبیق کند، این خط سبز ثابت و دائمی حرکت حکومت و همه جناحها بین میباشند که حبس انقلابی را سرکوب کنند.

این امر را او اسدا رنگه در صدر هر نبردها به خود ما زنده می - ارتقا - مبارزه طبقه ای را قرار دهیم، مبارزه انقلابی کنونی در متسی از بحران اقتصادی - سیاسی به پیش میرود که هر روز پیچیده تر میگردد، ما باید از کوره راه های بی نرنشست و قرار بگذاریم، حرکت فعلی در جنبش کارگری و مبارزات دیکراسیم - شک و تلاشی برای ما ز ما ندهی آنها وظیفه ای است که هر آینه ما به همنسارهای آنرا به ضویق بیان داریم، به اهداف تاریخی خود لطمه زده ایم، بسیج توده ها و سازماندهی آنها به ما اجازه خواهد داد که ما اتکا، به قدرت آنها، و با اتکا، به حرکت انقلاب بی آنها تاریخ را گام ها به سازیم.

اما ما هنوز که در شمار ه های قتل رژیم دکان نیز گرفتیم، شرایط موجود، آن شرایطی نیست که بتوان با نیروی محدود در چهار چوب اسراری و توان شکل های یواکنده جنبش م، از جنبش توده ای تا شریک داشته آفرایست و بسوختید.

تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی بیشتر و هر زمان، ضرورت دارد، وحدت بکار راه تاثیر جدی و فعال و طاع سر جنبش انقلاب است، بدون فط انقلابی کنونی نمیتوانست که بتواند جویند های پراکنده را در یک مسیر واحد هدایت کند، ما روزه انقلابی ما با ما ن باقی خواهد ماند، هر کس در این راه گام بردارد و چهره ردمیوار بکند، ریسیم و گروهرایی را شکنجیم، و با یک مبارزه یدشولوزیک جدی و فشرده، این مجرای بنگذارد، به جز جنبش و پراکندگی و لاجرم فرسایش زدن به جنبش انقلابی در جنبش اوضاع متحولی، نگاری نگرفته است، اما بلاهت خواهد بود هر که ما مبارزه خویش را موقوف به وحدت کسب جنبش کمونیستی بنماییم، و جنبش

اطلاعیه

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر در مورد:

اعدام ضد انقلابی رفیق محمد تقی شهرام

وسکوت ساز شکارانه سازمان مجاهدین خلق در برابر سکوت انقلابی رفیق شهرام!

سحرگاه امروز، یکی از تک فروغ های افتخار آفرین جنبش کمونیستی بدست جوخه تیرباران هیئت حاکمه شهید شد. خون سرخ او بر سنگفرش حیاط زندان اوین فروریخت و با خون دهها صد هاست از فرزندان دلیر خلق کبیرما که بدست دژخیمان رژیم پهلوی شهید گشته بودند، درهم آمیخت.

آمیزش خون این تازه شهید خلق ایران با خون شهدای دوران رژیم پهلوی آنها در سنگفرش زندان اوین حکایت از ادامه راه انقلابی آن شهدا، در دوره پس از قیام و بدنبال سرنگونی رژیم خائن پهلوی می کند.

حکومت ضد انقلابی موجود که ترس ترخونهای هزاران هزار قهرمان راه آزادی خلق ایران از یوغ ستم و استثمار سرمایه داری و ایستاده بدنبال سازش کثیف خود با امپریالیسم و بورژوازی بقدرت رسیده بود، از همان روزهای نخست پس از قیام لوله تفنگ را بر روی نیروهای انقلابی و کمونیست نشانه گرفت. روزی نبود که خون تنی چند از فرزندان انقلابی ایران را زمین نریزد. روزی در کردستان، روزی در خوزستان، روزی در گنبد و انزلی و اخیراً در روز دهمه جادست به کشتار بیرحمانه نیروهای انقلابی می زند. و امروز بدنبال يك محاکمه قیایی قرون وسطایی، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، جنگال خونین خود را در حلقوم انقلابی بزرگ و کمونیست - قهرمان تقی شهرام فرو کردند. رفیق شهرام، از چهره های قدیمی مبارزان انقلابی بر علیه رژیم شاه بود، و آزمون انقلابیگری و وفاداری خویش به خلق را در رشکجه گاه، و زندان و در جنگ و گریز با رژیم شاه بخوبی نشان داد. بود. این فرزند دلیر خلق که نقش بزرگی در هدایت و سازماندهی انقلاب بیون در مبارزه قهرآمیز و بیگناهی بر علیه رژیم شاه داشت. در جریان تغییر و تحولات ایدئولوژیک درونی سازمان خود از جمله کسانی بود که پیشا پیش همه پرچم مارکسیسم - لنینیسم این رهنمای مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه سرمایه داری و امپریالیسم را برافراشت، و بدست به ترویج آن زد.

اما در مسیر این مبارزه بر علیه خرد بورژوازی و ایدئولوژی آن مرکب اشتباهاتی شد، اما آن اشتباهات به - یست ترین شکلی مورد سوءاستفاده خرد بورژوازی مرتجع قرار گرفت.

خرد بورژوازی مرتجع که از ضربات مهلك هجوم مارکسیسم - لنینیسم برخوردار بود، و هر آن دربی - انتقام خونین از او اهل این شکست بود، همچون مارزخمی در بدنه بدنبال شهرام بعنوان عامل اصلی تخمیر ایدئولوژی سازمان مجاهدین می گشت تا انتقام ارتجاع را از حرکت مترقی تاریخ بگیرد. و سرانجام توانست

نقیه در صفحه ۹

سرمقاله

در وضعیتی که ممکن است هر دقیقه پیچیده تر گردد و انواع خطرناک میور با الیسم و بورژوازی میورت پذیرد، به جای فکر کردن به راه حلهای مقطعی جهت شرکت فعال در جنبش، توجه خود را معطوف به هدف نهایی کنیم. بدین جهت است که ما ضمن تاکید بر اولویت وحدت جنبش کمونیستی و دعوت همه نیروهای کمونیست به مبارزه ایدئولوژیک در مسیر این وحدت بر روی اتحاد عمل مشخصی کمونیستهای پای می فشریم. تنها با چنین اتحاد عملی است که می توانیم در اوضاع بغرنج تر، و اولاً بطور موثری به فعالیت خود ادامه دهیم و ثانیاً نیروهای دمکرات انقلابی را واداریم که با ما در چنین شرایطی دست اتحاد را بگیرند. اتحاد نیروهای کمونیست و انقلابی دمکرات نمیتواند بیطرفانه جداگانه و از طرف سازمانهای پوزانیته کده و از موضعی ضعیف صورت پذیرد. اگرچه چنین اتحادی با وحدت جنبش کمونیستی مطمئن تر و وحدتی شرعاً هاند بود، لیکن هیچکس تاکنون نتوانسته است تضمین کند که همه تلاشهای ما در راه وحدت اصولی، هر چه زودتر به نتیجه برسد. به همین علت است که ما می گوئیم اتحاد عمل جنبش کمونیستی در اوضاع پیچیده تر میتواند مبتنی بر نیرومندتری (و اصولی - لی تری) برای اتحاد جنبش انقلابی باشد.

بنا بر این ما ضمن تاکید بر فعالیت هشیارانه و همه جانبه کمونیستها در سازماندهی مبارزه در ده ها تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی و در شرایط مشخص اتحاد عمل آنها برای اتحاد عمل جدی در جنبش انقلابی را ضروری میدانیم!

نیروهای دمکرات انقلابی را تنها یک قطب کمونیستی نیرومند که مجهول وحدت جنبش کمونیستی با در صورت اضطرار اتحاد عمل باشد میتواند تا حدودی از تزلزلات و نا - یگیری نجات بخشد. در غیر این صورت سرنوشت مبارزات توده ها و همپه جنبش ما همچنان در آله ای از ابهام خواهد ماند.

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستی
فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

۸۵ آ

به یاد رفیق شهید تقی شهرام

مرثیه سرخ



اینگ
که سینه بر زمین غلقت
با تش کینه بکارگران
گلونه نشان میشود
خودنیک میدانی
که قطره های روشن خونت
بر پرچم مقدس خونیشان
از سرب سرخ
برای پیگر سرمایه
پیرایه میشود

چشان بر فروغت
اینگ
که بر روی سلاح فرومایگان
سردی صخره های برف آلود کوهساران
نظاره میکند

نیک می بیند
روزهای روشن فردا را
آنها که سلاح کارگران
سینه استخوان را
هدف قرار میدهد
لشکر پرملائت
اینگ
مرگ ایستاده و سرش را از افتخار را
منتظر مانده است
تا قریب آزار امت
لیانت را

بشوی جهان آفرینندگان جهان
ترک گوید
و بر آستان بیا مبرد
که "بیا خیزدای کارگران!"
"بیا خیزدای زحمتکشان!"
درواهای ظلم و استعمار
در انتظار گشوده شدن
با دستهای دورا نشان است

بورژوازی...

همچنین در توده ها است. آنها در ابتدا مدافعان و در پشت سر خرده بورژوازی جاگرفتند. ارتش اعتماد به نفس خود را هنوز با زنیافته در حالیکه در همه جا کمیته ها عمل میکنند. بدینگونه آیت الله خمینی مدتی بعد در ۲۷ مرداد ۵۸ ضمن اعلام تهاجم و حمله به ارتش در کردستان "فرمانده کل قوا" مینامد و چندی پس از این با ادا معالیه است "خود سرانه" کمیته ها و پادشاهان بازرگانان میگوید: "من دست چاقویی هستم که تیغه آن در دست دیگری است". از همین زمان است که تهاذهای درون بلوک سیاسی حاکم در رجا خود را می نمایاند. بوضوح معلوم میشود که در واقع بورژوازی لیبرال در حکومت از منافع سرمایه انحصاری وابسته مصر - انده دفاع میکنند و خواهان تغییر در اوضاع نیستند. بورژوازی انحصاری وابسته که نمایندگان آن است اعلیش گریخته اند و خودش تا روم شده است. اینک در پناه بورژوازی لیبرال در مرددا حربه وضعیت سابق خویش است. سرمایه انحصاری نمایندگی خود را در حاکمیت به بورژوازی لیبرال تفویض میکند. بی اعتمادی مردم نسبت به حکومت موقت روبه تزیاید میگذارد. در جریان انتخابات بات مجلس خبرگان برای "تدوین یا تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی" امیرانتظام

کمکهای مالی دریافت شده

برای اطمینان شما از دریافت کمک های مالیستان به سازمان یک عدد میتوان کرد انتخاب کرده و به همراه حرف اول نام خود به دریافت کنند و کمک مالی بدهید ما این شماره را به میلی که پرداخته اید اضافه و در نشریه درج میکنیم

الف	ج	ظ
۵۰۱۲۵	۱۰۲۲	۲۰۲۸
۱۳۰۱۷	۵۰۰۱	
۶۰۲۳۲	ک	ع
۱۰۱۱۶	۱۰۰۲۵	۵۰۰۶
۵۰۰۲		
۱۳۰۱۷	ل	ز
	۲۰۰۷۵	۲۰۱۵۰
۱۶۰۰۰		۴۰۲۲
	س	۱۲۰۹۰
ت	۲۸۰۱۲	۲۰۰۵
۲۰۱۲۲	۲۰۰۱۲	۲۰۲۱
۲۰۲۳۵	ش	۲۵۰۲۲
	۴۵۱۷۰	۲۰۰۵
ع	ف	۲۰۰۰۵۰
۲۵۱۱	۵۰۱۸	ن
۲۰۱۴۰	۲۱۲۲	۱۲۵۰۰
۲۰۰۶۲	۴۶۶۶	ه
۲۰۰۰۲	۲۰۰۵۷	۲۱۲۵
		۱۰۰۵۰
د		
۲۹۰۰	۵۹۹۹-۲	۱۱۰۷۵-۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و از تجاع داخلی!

اعدام تقی شهرام: وا همه ارتجاع از انقلابیون خلق.



خبر کوتاه بود : تقی شهرام اعدام شد . اما این خبر کوتاه
بیانگر وا همه وزیونی ارتجاع در مقابل انقلاب و حاملین آن است . تقی شهرام مبارزی با
سابقه بیش از ۱۰ سال مبارزه آشتی ناپذیر با رژیم سرمایه داری وابسته ، توسط بیدادگاههای
جمهوری اسلامی محاکمه و به جوخه اعدام سپرده شد .
تقی شهرام به انقلابیون دیگری که بر آستان انقلاب دموکراتیک خلق جان
خود را نثار کرده بودند ، پیوست و بدینوسیله ورق دیگری بر کارنامه سیاه و ننگین رژیم
جمهوری اسلامی اضافه شد .
رژیم جمهوری اسلامی و دادرسانی " انقلاب " ناجوانمردانه تقی شهرام را همانند
غناصر وابسته به رژیم شاه معرفی کرده و سعی نمودند احساسات مذهبی مردم را علیه او
تحریک کنند . رژیم جمهوری اسلامی مذبحخانه کوشید به تضادهای فرعی خلق دامنه زده
به بی اعتبار کردن نیروهای انقلابی و کمونیست پردازد .
تقی شهرام با شهادت - لیرانه خود ، نشان داد که همانگونه که در مقابل
بیدادگاههای رژیم شاه سر تسلیم فرود نیاورد در مقابل بیدادگاههای اینان نیز تسلیم
نخواهد شد . او با شهادت خود نشان داد که هرگز اجازه نمی دهد آلت تبلیغات
ارتجاع علیه نیروهای انقلابی و کمونیست ها گردد .
آری ، او همچون کمونیستهای راستین ، به سنت خود وفادار ماند و همچون
سروایت داده به شهادت رسید .

دست خون آلود ارتجاع از گلوی فرزندان خلق کوتاه !

سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در پاریس

هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۸۸ آذر

۱۷۲



خاطره رفیق نقی شهرام گرامی باد

دهم شهریور ماه مصاف است با چهلمین
روز شهادت رفیق محمد تقی شهرام .
با شرکت در مراسم بزرگداشت او که از
ساعت ۵ تا ۷ عصر همان روز با حضور
خانواده، مقاوم آن شهید در بهشت زهرا
قطعه ۴۱ برگزار می شود، اعدام ارتجاعی
او را محکوم و نسبت به مبارزات انقلابی
او علیه آمریکا و رژیم شاه خائن و نیابز
مقاومت حماسه آفرین او در زندان جمهوری
اسلامی، ادای احترام کنیم .
کمیته بزرگداشت رفیق شهید
تقی شهرام
۵۹/۶/۲



خاطره رفیق نقی شهرام گرامی باد

دهم شهریور ماه مصاف است با چهلمین
روز شهادت رفیق محمد تقی شهرام .
با شرکت در مراسم بزرگداشت او که از
ساعت ۵ تا ۷ عصر همان روز با حضور
خانواده، مقاوم آن شهید در بهشت زهرا
قطعه ۴۱ برگزار می شود، اعدام ارتجاعی
او را محکوم و نسبت به مبارزات انقلابی
او علیه آمریکا و رژیم شاه خائن و نیابز
مقاومت حماسه آفرین او در زندان جمهوری
اسلامی، ادای احترام کنیم .
کمیته بزرگداشت رفیق شهید
تقی شهرام
۵۹/۶/۲



گرامی باد خاطره

رفیق شهید تقی شهرام!

دهم شهریورماه ، چهلمین روز شهادت انقلابی خستگی ناپذیر
رفیق " محمد تقی شهرام " را ارج میگذاریم .

با شرکت در مراسم بزرگداشت او در این روز که از ساعت ۵
تا ۷ بعد از ظهر با حضور خانواده مقاوم آن شهید در بهشت زهرا
قطعه ۴۱ برگسژر میشود ، اعدام ضدانقلابی و ناجوانمردانه او را
محکوم و نسبت بمبارزات انقلابی او علیه امپریالیسم امریکا و رژیم
شاه خائن ، و همچنین مقاومت حماسه آفرین او در سیاهچالهای رژیم
جمهوری اسلامی ، ادای احترام کنیم .

خانواده و کمیته بزرگداشت
رفیق شهید محمد تقی شهرام

۱۳۵۹



«بیاد رفیق تقی شهرام»

چهل روز از شهادت رفیق قهرمانان محمد تقی شهرام میگذرد. دستان حاکمین جمهوری اسلامی بخون رفیقی آغشته گشته، که محمد رضا خان سفاک آرزوی اعدايش را با خود بگوربرد. چهل روز پیش دلاوریها و مبارزات قهرمانانه یک کمونیست راستین پس از ده سال به پایان خود رسید و ما در ادامه راهش یعنی مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر و برای گرامی داشت خاطره جاودان رفیق شهرام از کلیه روشنفکران انقلابی، کارگران و زحمتکشان خواستاریم تا در مراسمی که توسط خانواده رفیق شهید و کمیته بزرگداشت تقی شهرام برگزار میشود شرکت کنند، تا بدین طریق استحکام صفوف خود را در برابر حاکمین جدید برای احقاق حقوق واقعییمان به نمایش گزاریم.

مکان : بهشت زهرا - قطعه ۴۱

زمان : دوشنبه ۱ شهریور ۵۹ ساعت ۵ بعد از ظهر.

۵۹/۶/۴

گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر

رزمندگان طبقه کارگر (م-ل)



خاطره رفیق

تقی شهرام گرامی باد

دهم شهریور ماه مصادف است با چهلنمین

روز شهادت رفیق محمد تقی شهرام.

با شرکت در مراسم بزرگداشت او که از

ساعت ۵ تا ۷ عصر همان روز با حضـ

رانواردهء مقاوم آن شهید در بهشت زهرا

قطعه ۴۱ برگزار می شود، اعدای ارتجاعی

او را محکوم و نسبت به مبارزات انقلابی

او علیه آمریکا و رژیم شاه خائن و نیامز

مقاومت حماسه آفرین او در زندان جمهوری

اسلامی، ادای احترام کنیم.

کمیته بزرگداشت رفیق شهید

تقی شهرام ۱۳۷۴ ر

۵۹/۶/۲

دهم، شهریورچهل روز از شهادت رفیق قهرمانمان تقی شہرام میگذرد. چهل روزی کسه
رشد و اعتلاء مبارکات خلق ما علیرغم از دست دادن فرزندان بسیار در سراسر میهنمان،
لحظهای متوقف نگشته است و هنوز هم با قلب پرطیش خود به خصوص در کردستان قهرمان، خون
رادررگان انقلاب ایران جاری میسازد. حاکمین جمهوری اسلامی به تصور آنکه با رگبارهای
مسلسل خود و شکار فتن قلب کمونیستها از جمله رفیق شہرام و جاری ساختن خون آنان بر زمین
تا ابد براریکه قدرت تکیه خواهند زد، امروز نیز آنقدر گوش شنوا و چشمان بینائی نمیتوانند
داشته باشند تا ببینند سیل خروشان خونهای ریخته شده ای را که بسوی ویران ساختن کاخهای
ظلم و استعمار آنان جاریست! تا بشنود صدای سهمگین قلب انقلاب را که صدای واقعی همان
قلبیهاست که به خیال خام خود از کار انداخته است. آری! رفیق شہرام در کنار شما می
شهدای بخون خفته خلق در این صدای سهمگین و در این سیل خروشان زنده است!

حال رژیم جمهوری اسلامی و سلطنت پهلوی در چه چیز مشترکند که بناچار دستشان بایکدیگر
کمونیستها آغشته گردد؟ چرا گلوله های آتشینی که در روزا زتفنگهای ارتش شاهنشاهی سینه
های زحمتکشان میهنمان را میشکافت امروز همان گلوله ها از اسلحه پاسداران و ارتش
جمهوری اسلامی، خلق قهرمان کرد و سایر خلقهای ستمدیده ایران و کارگران دلیر میهنمان
را که برای احقاق حقوق واقعی خویش از جمله حق کار و غیره مبارزه برخاسته اند بیه خاک
هلاکت می افکند؟ چرا سلطنت پهلوی و جمهوری اسلامی هر دو دشمنان قسم خورده کمونیستها
هستند؟ پاسخ به این سوالات امروز دیگر بقدری واضح و مبهرهن است که تمامی زحمتکشان
ایران با بدیا دوست و خون خود آنرا احساس کنند. آری! این حکومتها هر دو ناجیان و مدافع
فغان استعمارگران و روابط پیوسیده سرمایه داری وابسته و چاکران و خدمتگزاران سرمایه
دارانند و کمونیستها، این رزمندگان راه آزادیان طبقه کارگر، پیگیر، سرسخت و خستگی
ناپذیرترین دشمنان این روابط و حامیان مزدوران هستند.

و رفیق شہرام، مبارزی از این تبار، تبار کمونیستها، تبار فرزندان طبقه کارگر و تبار
دشمنان استعمار بود، و جمهوری اسلامی با اعدام خدا شلاییش او را به تبار بخون خفته گسان
خلق پیوند داد.

رفیق شہرام نه اولین مبارزی است که بدست هیات حاکمه به جوخه اعدام سپرده میشود
و نه آخرین نفر آنها خواهد بود و ما برای گرامی داشت خاطره تمامی این شهدا در جلمین روز
شهادت رفیق شہرام مشت گره کرده و غریب درسی اعتراض و مقاومت کارگران و زحمتکشسان
میهنمان را بگوش حاکمین جمهوری اسلامی خواهیم رساند.

تنگ و نفرت بر حاکمین جمهوری اسلامی، این قاتلین رفیق تقی شہرام!

جاودان و ابدی باد خاطره پرشکوه رفیق تقی شہرام!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر!

۵۹/۶/۴

گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر

رزمندگان طبقه کارگر (م-ل)

۵۹/۶/۴



رفیق شهرام ؛

در فریادهای خلق زنده است

" هیئت حاکمه ایران چه فکر میکنند؟ خیال میکنند که با چیدن
برگی از درخت میتوانند ریشه آنرا بخشکانند؟ آیا میتوانند که با
بزمین کشیدن چند ستاره درخشان از آسمان گسترده، سیارات
ملت ایران این گنبد لایتنای را خالی نمایند؟ پیدا است که
چنین تصویری آن اندازه باطل است که خیالات مرغی بیچاره و
زبون همچون بوتیمار آری! آسمان انقلاب ایران از ستاره
خالی نخواهد شد، چرا که به عظمت گیتی و به شکوه دنیا است، چرا
که سپیده در حال دمیدن است!

" از دفاعیات رفیق شهید هوشنگ تره گل در بیدادگاه رژیم شاه "

آری دیروز این رژیم سفاک پهلوی بود که ستاره های درخشان آسمان انقلاب را بزمین
میکشید و امروز این حکومت جمهوری اسلامی است که کمر همت به پایان رساندن راه محمدرضا
خان جلاد بسته است!
دیروز محمدرضا شاه این عامل سرسپرده امپریالیسم بود که کمونیستها و سایر انقلابیون
را به میدانهای اعدام میفرستاد و امروز این حافظین و مدافعان جدید استشمارگرانند که
سینه های سترگ آنان را آماج رگبار جوخه اعدام خود میسازند!
دیروز ساواک مزدور شاه بود که میبهرت فرا رحما سه آفرین رفیق تقی شهرام از زندانهای
سیاهش مانند امروز این پاسداران جمهوری اسلامی هستند که با به بند کشیدن اضعف و درما
ماندگی پلیس شاه را جبران نمودند!
دیروز این محمدرضا شاه خائن بود که آروزی اعدام رفیق قهرمانان را به گوربرد و
امروز این جلادان جمهوری اسلامی هستند که با افتخار تمام آروزی شاه را جامه عمل پوشاندند
و بر روی جسد رفیق شهرام به پایکوبی تهوع آورنده آخته اند!
و بالاخره دیروز خلق قهرمان ما با قیام خونین خود به رژیم خائن پهلوی شایسته کرد که با چیدن
برگی از درخت نخواهد توانست ریشه آنرا بخشکاند و این ریشه ها روزی طبقه های داری خواهند
شد بر گردن استشمارگران و مدافعانشان و فردا با زهم کارگران و زحمتکشان ما به جمهوری
اسلامی نیز قدرت لایزال و پیک آسای خود را نشان خواهند داد و انتقام خون ستاره های درخشان
آسمان انقلابشان را از اینان خواهند گرفت. این را ما نمیگوئیم، این را تاریخ مبارزات
و انقلابات کارگران و زحمتکشان درسارجهان میگوید.

خبر کوتاه بودی شهرام را اعدام کردند...

امروز بر مزار رفیق گرد آمده ایم که همچون دلاوران دیگر در راه حق شهید شده است. امپریالیسم و ارتجاع هیچگاه از خود ضعفی نشان نداد و تا آخرین لحظات زندگی برای تحقق آرمان والای زحمتکشان از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

امروز چهل روز از مرگ رفیق شهید تقی شهرام پنجم پیدادگاه "جمهوری اسلامی" میگذرد. هشت حاکمه با تشکیل یک دادگاه ارتجاعی، و تبلیغات شرم آوری که در اطراف آن میکرد، زنده کننده لحظات تنگن کارزار تبلیغاتی بود که رژیم فاشیستی شاه بر علیه انقلابیون براف میانداخت و در نهایت کپوس رسوائی خود را میشوخت، غیابها رفیق شهرام را محکوم با اعدام کرد و در صبحگاه روز دوم مرداد ماه ۵۸ به دست گولشهای پاسداران سرمایه سپرد.

هشت حاکمه پس از یکسال که رفیق دلاور و مبارز را در اسارت گرفته بود و او را در بدترین شرایط در زندان انفرادی نگهداشت، میکوشید که طریق بتوانند رفیق را وادار به خیانت به آرمانهای انقلابی اش کند. و وقتی با مقاومت قهرمانانه او به پیدادگاه و چه در زندان روبرو گشتند، و وقتی که در جواب وعده آزادی که از دهان آیت الله قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی در سلول انفرادی جواب داد:

"ما آموخته ایم که ایستادگی در برابر دشمن را خود سازش نکنیم. من هرگز در دفاع از انقلاب و آرمانهای انقلاب از ذره ای از دین خود نشان نخواهم داد و هر آنچه باند های سیاه و زخم فعال میباشند در توطئه خود که ریختن خون من جزئی از آن است موفق گردند به استوار با سری اعراشته و پس خندان سرب مذاب را پسندیم خواهیم شد. آری این رژیم طاقت که ایستاده به میرسیم."

(از نامه رفیق تقی شهرام به یکی از همزندانان او پس از شکنجه در زندان اوین)

شاید دیگر تاب مقاومت نداشته و او را تسلیم کرده اند. هشت حاکمه باید بدانند که کمونیستها تا برقراری جامعه کمونیستی هیچگاه از مبارزه طبقاتی باز نخواهند شد و دزدان و زورهای از خود تردید نشان نخواهند داد و اگر امروز بقول مادر تقی شهرام که میگوید:

"من يك تقی را از دست داده ام و بجایش هزاران تقی بدست آورده ام"

رفیق تقی شهرام را در پیش خود ندارند و کسی هزاران تقی درس آموخته مبارزه طبقاتی را در بر ندارند.

رفقا و همزمان مادر اینجا بر مزار این رفیق شهید همصدا با تمامی آنان که قتلشان برای آرمان والای طبقه کارگر می باشد فریاد میزنیم که راه سرخ ارانی ها، روزنه های گسرخس ها و شهرام ها تا پیروزی نهائی ادامه دارد، و ایمان داریم که شهادت هر روزنده ای در بستر این پیکار خونین چراغی خواهد شد برای مبارزان دیگر.

جساودان بناد یاد تمامی شهدای خلق !

مسئول: بهشت زهرا قطعه ۴۱

زمان: ساعت ۴/۵، روز دوشنبه ۱۰/۶/۵۹

سازمان روزم کارگران

ک-۵۳
۵۹/۶/۱۰

۱۷۷

چهلمین روز
شهادت

۱۰ شهریور



رفیق تقی شهرام

وادر بهشت زهرا، قطعه ۴۱ ساعت ۵ تا ۷ عصر

گرامی می داریم

شهریور ۵۹

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مراسم چهلین روز شهادت رفیق شهید تقی شهرام برگزار شد



☆ ☆ ☆ ☆ ☆ ☆ ☆ ☆
دوشنبه ۱۰ شهریور مراسم بزرگداشت چهلین روز شهادت
رفیق شهید تقی شهرام در بهشت زهرا، با حضور
عده زیادی از همزمان و رفقای شهرام برگزار شد.
شور و هیجان حاکم بر این مراسم نشان داد که شهرام
و دیگر کمرنیستها، هرگز نمی میرند، کمرنیستها با خاطره
سرخ که از خود بجای میگذارند، با آمرزشها و مبارزات
انقلابیشان، زندگی خود را به مبارزات خلق می بخشند
و در جبهه نسل جوان کمرنیست و طبقه کارگر و قوه های
انقلابی به حیات خود ادامه میدهند.

☆ راهش و یادش پاینده یاد!

هر روز دارا هدایی در ایران نکلیش می نمود که در هیچ راهی به شرکت نکلیش می نمود اما همچنان به
عملیات تفریحی شهرام رهبری که از حبس ج کی حبس به دادگاه صادر شده در زمان انقلاب
به سابقه بود

شهرام در سال ۱۳۵۴ عضو کمی از سازمان جبهه جوانان بود که بر علیه شاه نکلیش نمود
در ۱۹ سالگی بطور مخفی در تهران زندگن میکرد. از طرف ساداک پلیس مخفی شاه دستگیر شد
در سال ۱۹۷۱ بعد از شکنجه های فراوان به ۱۰ سال زندان محکوم شد. بهر اراده
سالها زندان در زندان تبریز و موقت به فرار شد. تا ازال انقلاب در سال ۱۹۷۹
در آنجا از طرف ساداک کتک تعقیب بود

در نیمه یان سال ۱۹۷۸ در دست آید از انقلاب به شهرام بود. عیال به در اهل
ماه ژوئیه ۱۹۷۹ دستگیر شد. در همین سال بود که لب زره که مبارزات مسلحاتی شروع
شد که شهرام را هتتم شرکت در قتل احضار جنبش مجاهدین خلق نمود
مجاهدین در ابتدا یک سازمان را ادعا می نمود که می تواند هدف آن این بود که
حکومت شاه را سرنگون کنند و شهرام با این گروه تعدادی داشت
او اوسط سالها می ۷۰ در زندان می بود و شایعه مارکسیستی اینی داشته که پروتکلی بوده
در میان بسیج بود. شهرام عضو کار در رهبری رهبری سازمان مجاهدین شد.

در آن زمان دستگیر می و اندام مجاهدین شروع شده بود. علاوه بر این عیال
از مجاهدین غیر مارکسیستی توسط مجاهدین مارکسیستی کشته شدند.
در زندان در آنجا که انقلاب شهرام هتتم به قتل محکومیت در این قتل ها گردید
شهرام و کتبه ها و سده زانی که ازاد حمایت میکردند علنا آنها را کشته که هتتم افسر
شهرام بنیت و این امر افشا بطور اعم شاعل مجاهدین و بطور اخفی شاعل جنبش که
حبس می شد

در زمان کتبه ها است از شهرام که متنی آن در مجرای فنی منتشر شد، قدوسی رئیس
دادگاه های انقلاب عیال قتل از محکومیت مجاهدین از آنجا در زندان ریه ن کرد
و از ادخواست که با اهل دانش علیه جنبش حبس بناید در مجرای استقراری ترک
محکوم خواهد شد. شهرام این پیشنهاد را قبول نکرد.

وکیل شهرام به ماده ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اکتفا کرد که در
سال ۱۹۷۹ بنصوب رسیده و براساس آن هر هتتم میتواند وکیل به دفاع
شخصا اش به نمایند

Am Ende richtete ein Mullah

Als Augenzeuge beim ersten Tribunal gegen einen Linken im Iran / Von Reiner Geulen

Reiner Geulen, 38, ist Strafverteidiger in West-Berlin (in Sozialität mit Rechtsanwalt Otto Schilly). Im Auftrag des Republikanischen Anwaltsvereins und der Vereinigung Berliner Strafverteidiger nahm er als erster westlicher

Beobachter an einem iranischen Revolutions-Tribunal teil: der Verhandlung gegen den Marxisten Taghi Schachram. Ohne Anhörung von Entlastungszeugen wurde Schachram zum Tode verurteilt und hingerichtet.

Strafprozesse, die meisten mit tödlichem Ausgang, finden im Iran fast täglich statt. Aber das Verfahren und die Verhandlung gegen Taghi Schachram hatten die Besonderheit, daß zum ersten Mal seit der Revolution ein führender Vertreter der politischen Linken angeklagt war.

Schachram schloß sich als Jugendlicher in den 60er Jahren der Widerstandsbewegung gegen den Schah an. Seit seinem 19. Lebensjahr lebte er illegal, meist in Teheran, wurde von der Savak, der Geheimpolizei des Schah-Regimes, verhaftet und im Jahre 1971 nach Folterungen zu zehn Jahren Zuchthaus verurteilt. Ihm gelang nach Jahren der Haft die Flucht. Bis zur Revolution Anfang 1979 gehörte Schachram zu den von der Savak am meisten gesuchten Gegnern des Schah.

Seit Ende 1978 war er an den revolutionären Ereignissen beteiligt. Ein halbes Jahr später, am 1. Juli 1979, wurde Schachram verhaftet. Der Machtkampf zwischen der islamischen und der nationalen beziehungsweise sozialistischen Komponente der Revolution hatte begonnen.

Die Anklage warf Schachram vor, an der Ermordung mehrerer Mitglieder

der „Mudschahidin-Bewegung“ beteiligt gewesen zu sein. Die Mudschahidin waren anfangs eine radikale religiöse Organisation mit dem Ziel, die Herrschaft des Schah zu beseitigen, und Schachram gehörte ihr an.

Mitte der 70er Jahre bildete sich bei den Mudschahidin eine zum Marxismus neigende Strömung, die programmatisch die Errichtung einer sozialistischen Gesellschaft forderte. Schachram war Initiator und Führer dieses Flügels und zur Zeit der Umorientierung Mitglied des Zentralkomitees der Mudschahidin.

Zu jener Zeit gab es Verhaftungen und Hinrichtungen von Mitgliedern der Mudschahidin, es gab gegenseitiges Mißtrauen und Verdächtigungen, der Savak Mitglieder der Organisation denunzierte zu haben. Ein führendes Mitglied des antimarxistischen, rein islamischen Flügels der Mudschahidin wurde infolge dieser Verdächtigungen von Vertretern der marxistischen Richtung getötet.

Die Anklage des Revolutionsgerichts warf Schachram nicht vor, selbst an Tötungen teilgenommen zu haben, ihm wurde aber eine organisatorische und politische Mitverantwortung an diesen Morden angelastet.

Schachram sowie das Komitee und die Organisationen, die ihn in seinem Prozeß unterstützten, haben zu der Anklage öffentlich erklärt, der wirkliche Angeklagte sei nicht Schachram, der Prozeß sei vielmehr gegen die Mudschahidin insgesamt und gegen die iranische Linke gerichtet und solle deren Illegalisierung einleiten.

In einem von dem Unterstützungskomitee veröffentlichten Brief Schachrams, dessen Inhalt von offizieller Seite nicht bestritten wird, heißt es, der Generalstaatsanwalt der Revolution, Goudoussi, habe den Häftling zwei Monate vor Prozeßbeginn persönlich in der Zelle besucht, um ihn vor die Alternative zu stellen, in seinem Prozeß vor dem Revolutionsgericht entweder gegen die linken Mudschahidin auszusagen oder aber zum Tode verurteilt zu werden. Schachram lehnte jegliche Aussagen ab.

Der vom Angeklagten gewählte Verteidiger, der renommierte Teheraner Anwalt Esmailsadeh, hat sich auf Artikel 35 der Verfassung der islamischen Republik des Iran aus dem Jahre 1979 berufen, dem zufolge jedermann ein Recht auf freie Wahl eines Rechtsanwaltes hat.

Das „Gesetz über die Einrichtung der Revolutionsgerichte“ sieht hinge-

• Prozeßbericht der Teheraner Zeitung „Keyhan“ (Ausrieb).

۲۱ محکوم دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز تیرباران شد



تقی شهرام

محمد حسین فرستاد ارتشی
بهرم نطق و طرح کودتا
علیه جمهوری اسلامی وقت
بنابران منزل امام و مناطق
خاص تهران پائی بر حکومت
اسلامی تشخیص داده شدند و

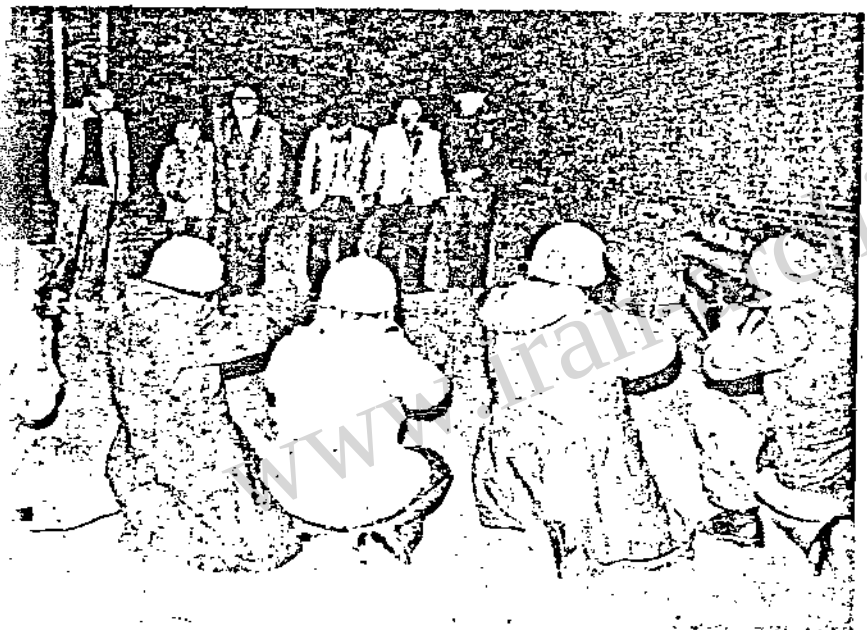
تقی شهرام، جزو اقدام
شدگان است.
بقیه محکومین، با اتهام
شرکت در کودتای اخیر
تیرباران شدند.
به حکم شعب مختلف دادگاه
های انقلاب اسلامی مرکز،
۲۱ تن از محکومین، این
دادگاهها، معرکه امروز
تیرباران شدند.
اجساد تیرباران شدگان
صبح امروز به مرکز پزشکی
قانونی تهران انتقال یافت.
روایت عمومی دادستانی کل
انقلاب در این رابطه اطلاعاتی
فاصله کرد و حکم دادگاهها را
به این شرح در اختیار روزنامه
کیهان قرار داد:
دادگاه انقلاب اسلامی مرکز
۲۱ پائی و مبارز با خدا و
رسول خدا را به این شرح



Angeklagter Schachram*, Gerichtspräsident Beheshti: Todesurteil ohne Beweisaufnahme



Leistung durch die Geheimpolizei Savak (1971): Verbrechen vor dem Sieg



Leistung durch Revolutionsgarden (1979): Verschwörung gegen den Islam

vor, daß jeder Angeklagte das auf freie Wahl eines Rechtsanwalts hat, der das islamische Strafrecht (Paragraph 7).

Das Gericht hatte drei Anwälte, die nach dessen Auffassung die Voraussetzungen erfüllten, doch hat Schachram diese Anwälte mit der Begründung abgelehnt, zu ihnen aus politischen und persönlichen Gründen kein Vertrauen zu haben.

Am 14. Juli 1980, kurz vor Beginn der Hauptverhandlung bei dem die meisten Richter des Revolutionsgerichts anwesend waren, wurde ihm eröffnet, daß er nur als Verteidiger von Schachram an der Hauptverhandlung

teilnehmen, wenn er bereit sei, vor dem Vorsitzenden des Gerichts eine Prüfung im islamischen Recht abzulegen.

In einem Schreiben an den Staatspräsidenten spricht der Anwalt sogar davon, ihm sei eine „religiöse Prüfung“ abverlangt worden, die er unter Berufung auf seinen Berufseid und auf die Verfassung der islamischen Republik abgelehnt habe.

Das „islamische Strafrecht“ ist kein kodifiziertes Recht. Es besteht aus Regelungen und Geboten des Koran und dessen Auslegung durch die Propheten und Geistlichen des Islam. Auch die Anklage gegen Schachram beruht nicht auf iranischen Strafgesetzen, sondern

auf solchen islamischen Geboten. Gleiches gilt für die prozessualen Rechte des Angeklagten, zu denen in dem „Gesetz über die Einrichtung der Revolutionsgerichte“ lediglich einige Ordnungsregeln zu finden sind.

Dies erklärt im wesentlichen die außerordentlichen Unterschiede hinsichtlich des Strafmaßes und der Straftat bei Urteilen der Revolutionsgerichte in Teheran und in den iranischen Provinzen. Den täglichen Berichten zufolge werden beispielsweise für Homosexualität sowohl Freiheitsstrafen als auch Auspeitschung oder die Todesstrafe verhängt.

In iranischen Zeitungen wird gegenwärtig sehr scharf die Frage diskutiert, ob die von mehreren revolutionären Provinzgerichten ausgesprochenen und vollstreckten Urteile, wonach verheiratete Frauen wegen Ehebruchs gesteinigt werden, gemäß islamischem Recht erforderlich sind.

Die Wortführerin der Kritiker, die Parlamentsabgeordnete und Sprecherin der iranischen Frauenbewegung Azam Taleghani, hat diese Strafform mit Entschiedenheit als anti-islamisch bezeichnet. Inzwischen ist sie deswegen selbst vor einem Revolutionsgericht angeklagt worden.

In Gesprächen mit dem Obersten Gerichtspräsidenten, Ajatollah Beheshti, dem Generalstaatsanwalt des Iran, Ardebili, sowie dem Vorsitzenden des für Schachram zuständigen Revolutionsgerichts Modikhah, habe ich darauf hingewiesen, daß das Recht, sich gegen eine Anklage angemessen verteidigen zu können, nicht nur aus der iranischen Verfassung folgt, sondern darüber hinaus ein überstaatliches Menschenrecht ist, das auch unter den besonderen Bedingungen einer islamischen Rechtsordnung gewährleistet werden müsse.

Beheshti, der einen großen Teil seines Exils in Deutschland verbracht hat und die deutsche Sprache gut beherrscht, hat hierzu erklärt, das gesamte Rechtssystem des Iran werde nach islamischen Grundsätzen ausgerichtet, die mit einem europäischen Rechtsverständnis nicht vergleichbar seien.

Die Verbundenheit der führenden Politiker des Iran mit dem Islam als Staatsreligion und als Prinzip der gesamten Organisation des Staates — diesen Eindruck gewann ich bei allen Gesprächen. — ist so stark, daß sie sich rechtsstaatlichen Prinzipien in dem bei uns verstandenen Sinne in keiner Weise verantwortlich fühlen.

Die Hauptverhandlung gegen Taghi Schachram begann am 14. Juli 1980. Der Prozeß fand im Evin-Zuchthaus statt, in dem die meisten politischen Gefangenen des Iran festgehalten werden. Das Zuchthaus wurde in den 50er Jahren vom Schah-Regime auf einem Hügel am Rande des Elburs-Gebirges nördlich von Teheran errichtet und war

171

haus der Savak.

Über Jahrzehnte hinweg war Evin der Inbegriff für die Folterungen, Marterien und Ermordungen der Gegner des Schah-Regimes. In dem Sicherheitstrakt, in dem der Prozeß gegen Schachram stattfand, sind Bildtafeln ausgehängt.

Sie zeigen Photos, die nach Erstürmung des Gefängnisses in den Archiven der Savak gefunden wurden: eingeschlagene Schädel, Menschen, denen bei lebendigem Leib Gliedmaßen abgeschnitten wurden, ausgeweidete Körper.

Dem Gericht gehörten als Vorsitzender der Mullah Modikhab sowie zwei Beisitzer an. Daneben saß der Vertreter des Generalstaatsanwalts der Revolution. Hinter dem Gericht hingen Wandtafeln mit Aufschriften aus dem Koran.

Das gesamte Verfahren wurde auf Videoband aufgezeichnet. In der ersten Zuschauerreihe saßen einige iranische Journalisten, dahinter Familienangehörige der Männer, deren Tötung Schachram zur Last gelegt wurde.

Unter den weiteren Anwesenden befanden sich zum großen Teil Mitglieder der Zuchthausbewachung. Etwa die Hälfte der Plätze war nicht besetzt. Es war nicht ersichtlich, daß normale Zuhörer die Möglichkeit gehabt hätten, den Gerichtssaal, der im innersten Teil des Evin-Zuchthauses liegt, zu betreten. Ich selbst konnte als legitimierter ausländischer Prozeßbeobachter ungehindert an der Verhandlung teilnehmen.

Immer wenn das Gericht den Saal betrat, erbrachten die Zuhörer im Stehen mehrere halbesungene Ehrerbietungen auf Allah und Ajatollah Chomeini, danach rezitierte der Koransänger.

Am ersten Verhandlungstag wurde Schachram aus der Haft vorgeführt. Er erklärte, als Kämpfer gegen das Schah-Regime nicht bereit zu sein, sich vor dem Revolutionsgericht zu verteidigen, das für die Verbrechen des Schah-Regimes und nicht für dessen Gegner eingesetzt worden sei.

Seine Zuständigkeit im Fall Schachram hatte das Gericht mit dem Gesetz über die Einrichtung der Revolutionsgerichte aus dem Jahre 1979 begründet, nämlich zur Aburteilung von "Verschwörung gegen die islamische Republik durch bewaffnete Maßnahmen, Terror, Zerstörung von Einrichtungen sowie Spionage zu Gunsten der Ausländer" (Paragraph IV) sowie für Verbrechen, die vor dem Sieg der Revolution zur Stabilisierung des Pahlawi-Regimes und gleichzeitig zur Unterdrückung „der Kämpfe des Volkes“ beigetragen haben (Paragraph 1 und 2/1). Außerdem werden die Revolutionsgerichte bei Verbrechen zugunsten von Ausländern sowie bei Delikten wie Rauschgifthandel und Vergewaltigung tätig.

Schachram sagte, er sei bereit, sich vor einem ordentlichen Gericht zu verteidigen, nicht jedoch vor dem Revolutionsgericht, da er seit seiner Jugend zu den radikalsten Kämpfern gegen das Schah-Regime gezählt habe.

Er verlangte, daß sein Verteidiger Esmailsadeh zur Verhandlung zugelassen werde, und forderte die Öffentlichkeit des Prozesses, insbesondere die Zulassung von Vertretern der Mudschahidin-Bewegung, denen der Zutritt zu dieser Verhandlung vom Gericht ausdrücklich verwehrt worden war.

Da keine seiner Forderungen vom Gericht erfüllt wurde, ließ Schachram sich in die Zelle zurückführen; er hat

auf zwei Schriftstücke, die in der Verhandlung verlesen wurden, hat das Gericht keine dieser Urkunden in das Verfahren eingeführt.

Eine Beweisaufnahme fand nicht statt, weder in der Form von Zeugenvernehmungen noch durch Verlesung von Urkunden. Ob das Gericht über dieses Verfahren überhaupt Akten führte, war nicht ersichtlich.

Am vierten Verhandlungstag wurde der Vorsitz des Gerichts ausgewechselt. Statt des Richters Modikhab übernahm der Mullah Mobacheri, der an den ersten drei Verhandlungstagen nicht teilgenommen hatte, den Vorsitz. Am Ende des vierten Verhandlungstages



Teheraner Evin-Zuchthaus*: Bildtafeln von Folterungen

von diesem Zeitpunkt an nicht mehr an der Verhandlung teilgenommen.

Der Prozeß fand an insgesamt vier Verhandlungstagen zwischen dem 14. und 21. Juli 1980 statt, und zwar jeweils am Nachmittag etwa zwei bis drei Stunden. Am zweiten und dritten Verhandlungstag sprachen Vertreter der Angehörigen teheristamischer Mitglieder der Mudschahidin-Bewegung, deren Tötung Schachram angelastet wurde. Sie brachten im wesentlichen politische Argumente gegen die marxistische Richtung der Mudschahidin vor.

Schachram, sein nicht zugelassener Verteidiger Esmailsadeh und seine Familienangehörigen hatten dem Gericht eine Vielzahl von Dokumenten und Beweismitteln vorgelegt, aus denen sich ergeben sollte, daß die Ermordungen, die Schachram zur Last gelegt wurden, auf das Konto der Savak gingen. Bis

* Im Februar 1979 nach der Erstürmung durch Revolutionsgarden.

erklärte das Gericht den Prozeß für beendet und kündigte ein Urteil an.

Am 23. Juli gegen 21 Uhr erhielt das Büro von Anwalt Esmailsadeh aus dem Evin-Zuchthaus einen Anruf, daß die Familie von Taghi Schachram noch an diesem Abend zu einem Besuch des Gefangenen nach Evin kommen solle. Die Mutter und die beiden Schwestern erreichten Evin gegen 23.30 Uhr und wurden zu dem Gefangenen geführt.

Schachram erklärte, er erwarte, noch in dieser Nacht hingerichtet zu werden, obwohl er bisher keinerlei Mitteilung über das Ergebnis seines Strafverfahrens erhalten habe.

Die Familie verließ Schachram gegen Mitternacht. Gegen 1.30 Uhr wurde Schachram in Evin hingerichtet. Das Todesurteil war ihm kurz vorher verkündet worden. Am frühen Morgen wurde der Familie telephonisch mitgeteilt, sie könne die Leiche Schachrams in Evin abholen.

۹۱

الف - مشخصات حقیقی :

نام - محمد تقی شهرت شهرام نام پدر رمضان
شماره شناسنامه ۱۳۳۲ صادره از تهران متولد ۱۳۰۶
شغل -

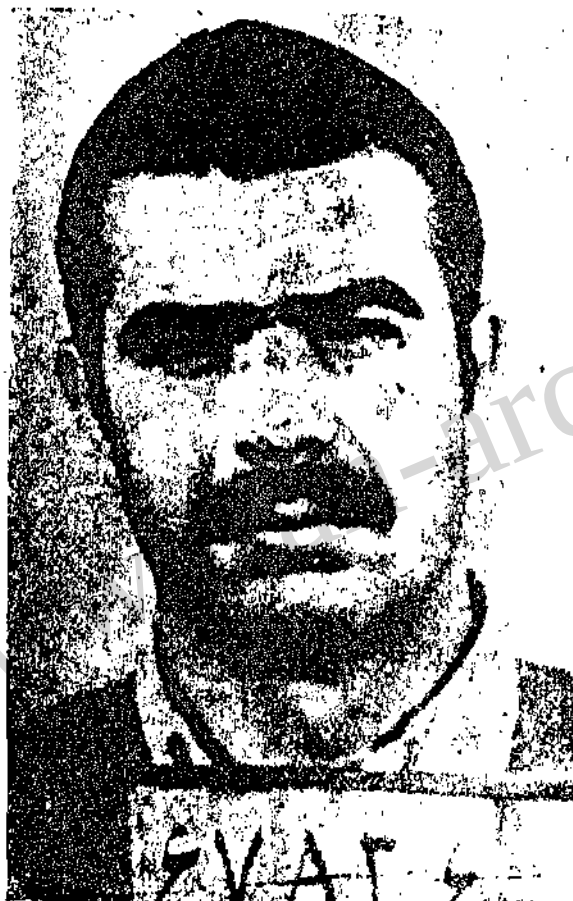
میزان تحصیلات فارغ التحصیل دانشکده علوم دانشگاه تهران
محل سکونت -
محل کار -

مشخصات ظاهری :

قد متوسط - رنگ چشم سیاه - رنگ مو مشکی صاف - عینم مشخصه -
اسامی مستعار یا شناسنامه‌های جعلی که داشته :

پ - وضعیت فعلی :

از اعضای گروه خرابکار «مجاهدین خلق ایران» میباشد
از تاریخ ۱۰/۲/۶۲ متواری و احتمالا مسلح به
سلاح کمری X نارنجک X سیانور X میباشد .



۱۶۸۴



خاطره رفیق تقی شهرام گرامی باد

دهم شهریور ماه مصادف است با چهلمین
روز شهادت رفیق محمد تقی شهرام .
با شرکت در مراسم بزرگداشت او کداز
ساعت ۵ تا ۷ عصر همان روز با حضور
خانوادهء مقاوم آن شهید در بست زهرا
قطعه ۴۱ برگزار می شود ، اعدام ارتجاعی
او را محکوم و نسبت به مبارزات انقلابی
او علیه امریکا و رژیم شاه خائن و نیکس
مقاومت حماسه آفرین او در زندان جمهوری
اسلامی ، ادای احترام کنیم .
کمیته بزرگداشت رفیق شهید

تقی شهرام

۵۹/۶/۲

برنامه پیشنهادی مراسم روز جمعه ۱۰ مرداد

- ۱- پیام کمیته بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام
- ۲- شعر برای سنگ گور رفیق تقی شهرام (تقدیمی سازمان پیکار)
- ۳- پیام خانواده (که تهیه کرده اند و میخوانند)
- ۴- پیام سازمان پیکار
- ۵- فرازهای از زندگی رفیق شهرام بر روایت خودش (مقدمه جزوه دونا مه)
- ۶- صحبت خانواده با خانواده های دیگر خانواده مجاهد شهید خا منده ای
- ۷- شعر آخرین دیدار يك كمونيست (تقدیمی سازمان پیکار)
- ۸- سرود ای رفیقان یا سرود دیگر
- ۹- پیام های دیگر
- ۱۰- سرود انترناسیونال و ختم مراسم

« دادگاه » خودداری کرد و نشان داد که دشمن طبقاً تی خود را خوب شناخته و با زیچسه توطئه‌های آنان نخواهند شد.

نیروهای کمونیستی و انقلابی هریک بر اساس تحلیل و فراخور امکانات خود در دفاع از رفیق شهیدشهرام در برابر توطئه‌گران و کسانی که کمر به قتل او بسته بودند، کوشیدند تا حقیقت را از لابلای ابرهای سیاه اتهامات دروغها و افتراها و هیاهوهای تبلیغاتی به توده‌ها بشناسانند. دشمن جنایتی را که در نظر داشت مرتکب شد ولی این خارج از انتظار نیروهای انقلابی و نیز خود رفیق شهرام نبود.

اینک وظیفه کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی است که در ادامه مبارزه با امپریالیسم و نیروهای ضد خلقی حاکم هر چه بیشتر به کار آگاه‌گران و وسیع توده‌ای اقدام کنند و از حقانیت تاریخی خود دفاع نمایند. مبارزات رفیق شهرام طی یکساله اخیر زندان با نوشته‌هایی که در زندان تهیه کرده بهترین نمونه از این برخورد اصولی ار نشان میدهد. پایداری و استقامت هر چه بیشتر روی اصول، مخدوش نکردن مرز میان خلق و ضد خلق یکی از درسهایی است که ما از یکسال حماسه رفیق شهرام میگیریم.

کمیته بزرگداشت رفیق تقی شهرام ضمن درود به خانواده گرامی او بویژه مادر شیردل و مقاومش و ستودن شکیبایی آنها (چه در سالهای که رفیق همانند بسیاری از انقلابیون زندگی مخفی داشت و هر دم در معرض تعقیب جنایتکاران ساواک و دیگر عمال امپریالیسم بود و چه زمانی که در دوران جمهوری اسلامی به زندان افتاد)، از کلیه دوستان رفیق شهرام و خانواده‌های شهدای عزیز جنبش انقلابی سالهای گذشته تا امروز که در این مراسم شرکت کرده اند سپاسگزاری میکند و خود را در رساندن پیامهای انقلابی رفیق تقی به توده‌های خلق بویژه کارگران متعهد و ملتزم می‌شناسد.

گرامی باد خاطره رفیق شهیدشهرام و دیگر شهیدان بخون خفته خلق

پیام کمیته بزرگداشت رفیق شهیدتقی شهرام

کمیته بزرگداشت رفیق شهیدتقی شهرام که پس از پایان گرفتن کار دفاع از این رفیق فرا موش نشدنی بوجود آمده خود را موظف و مفتخر میداند که برترتیب با آن عزیز سوگند یاد کند و حماسه بزرگ او را همواره زنده نگاه دارد. کمیته بزرگداشت با برگزاری این مراسم خاطره رفیقی را ارج میگذارد که در تاریخ جنبش انقلابی و کمونیستی میهن ما هرگز از یاد نخواهد رفت. رفیقی که نمونه شایسته يك کمونیست درس ارزشناپذیری و استقامت بود. رفیقی که در دفاع از آرمان کارگران و زحمتکشان لحظه ای تردید بخود راه نداد. رفیقی که برای همه رهروان راه انقلاب و سوسیالیسم تجارب زندگیش درس آموز و نمونه است. رفیقی که بحق جوهر انقلابی خود را در مقام و مت یکساله زندان نشان داد. رفیقی که با شایسته تیزان انقلابی و کمونیستی خود با عادت و توطئه دستگیری و محاکمه خود را تشخیص داد و علی رغم فشارها و آزارها و تیز علی رغم وعده های گوناگون حاضر نشد روی اصول پا بگذارد و کلمه ای علیه نیروهای انقلابی و در اینجا مجاهدین خلق بر زبان آورد. رفیق محمدتقی شهرام یکی از قهرمانان جاویدان جنبش خلق ماست که کارهایش و مبارزاتش در ادامه مختلف آن با ید مورد بررسی و بحث قرار گیرد. بورژواها و خرده بورژواهای عقب مانده ای که قدرت را پس از واژگونی رژیم شاه به دست گرفته و کینه توزانه علیه خلقهای ایران، نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها سبعا نه حمله ور شده اند و دست آوردهای قیام بهمن ما را یکی پس از دیگری از توده ها سلب میکنند، بر اساس ماهیت طبقاتی خود کینه ای کور نسبت به رفیق شهرام داشتند برخورد آنها پیش از دستگیری او عشا یعه ها و اتهامات رذیلانه، تهدید به ترور علیه آن رفیق و انقلابیون دیگر و نیز پس از دستگیری شهرام نهایت فشار و شکنجه های روانی را علیه او بکار بردن و سرانجام توطئه با اصطلاح محاکمه و ریختن خون او نشان دهنده مبارزه طبقاتی خشنی است که در جامعه ما جریان دارد. باندهای ضد انقلابی که در صف مقابل خلق ایستاده اند بخوبی به عظمت کار رفیق شهرام آگاهی داشتند، تاثیر و ارزش او را برای جنبش انقلابی و کمونیستی میهن ما میدانستند آنها دشمن خود را خوب شناخته بودند و به همین لحاظ محال بود آری محال که از این طعمه دریغ کردند. رفیق شهرام بخاطر شناخت درست همین وضعیت بود که در برابر آنان کوتاه نیامد و به هیچ قیمتی حاضر نشد صلاحیت با اصطلاح دادگاه را برسمیت بشناسد و با استقامت و یاری حماسه آمیز خود درس وفاداری به اصول را آموخت.

او برای آنکه لحظه ای فرصت موفقیت به توطئه گران ندهد حتی از ردا تهامات در

آی ۰۰ خطا بم باشماست

ای جانیاں کوچک

که جنایتها ی بزرگ را حمل میکنید

برکول های نحیف

باشما میگویم :

بیپوده

آری در انتظار ی بیپوده چشم دوخته اید

برسنگ صیقلی چشمهای ما ؛

نه !

نه !

از شکاف پلکها مان

چشمه خون

به درد

نخواهد جوشید ،

و همچنان

همچنان

از ژرفنای مردمك ها مان

مذا بهای سوزان آتشفشان کینه توده

سبز خواهد آورد

واخگران شعله ورترا ز همیشه خواهد درخشید

آری شعله ورترا ز همیشه

که اینك خون تازه رفیقی از دیر باز

برا بر آئینه سرخ دیدگان

می جوشد

آه

ای شب

ای شب

ای شب !

بگو به سپیده دم سر بر آرد

بهشتاب :

که مرا با خلقم

سریا ز گفتن ، بسیا راست

xxxx

و این بار

برودر رو

خطا بم باشماست

شما که با او را دمردم فریبتان

می با فید

می با فید

طنا بدار

برگردن انقلاب رنجبران

شما که می دمید در بوق و کرنا ی توهم

از بام تا بام

هان ۱۱۰۰۰

که " دشمن بود " ۱۱

آری

دشمن بود !

اما دشمن نظم ستمگران نه سرمایه

بنگرید ! هنوز برجای مانده است

از دیر باز

سلاحی که فشرده بر قلب میداشت

وسپیده تا به سپیده

صبرا ز کف داده

برسینه دشمنان خلق ، مرگ میکاشت

و مگر نه زمین رو

دشمنی تان با او

درمدا راشتی نابذیر میگشت

این گاه که هر شب از روز

در پیشگاه جنایت سرمایه

سجده میکنند

به عبث میگویند، عبث

که بردستهایش نقش بسته بود

يك قطره از خون یار

وهراسان پنهان میدارید:

در گیرودار هزار پیکار

با دشمن!

و مگر نه اینسان

خطا کارهایش به کفهای

جنایتکاری تان به کفهای دیگر

حکایت يك قطره نآب است و

دریای بیکران!

آری

اینک

شما بگوئید چگونه نهان توانید کرد

که دم به دم بر فرشی از جسدهای سوخته

سوخته مردم نمازمیگزارید

که غسل میکنند

در خون بیشماران شریف خلق

و مرا همچنان سر باز گفتن، بسیا لست

xxxxxx

آری... خطابم باشماست

باشما که دیوانه سردر خون مان فرو میکنید

و در زیر چادر فریب

جنایت را پنهان میدارید،

باشما هستم

باشما که برگرد پیکر خونین کشته مان

باشعفی شهوتناك

برقص در میآیید

و در گوش توده حیرتناك

زوزه میکشید:

"به خونخواهی آمده ایم

به دادخواهی و

به خونخواهی!"

آه بس کنید

به دادخواهی!!

چگونه

چگونه دا من قبايتان را پنهان توانید کرد

دا من قبايتان را

که پوشیده از لکه های بیشمار خون توده است

چگونه پنهان توانید کرد

این شما یا نید

زنده زنده قارنا را می بلعید

و بر پیکر شقه، شقه قه لاثان پای میکوبید

وسگانتان

اجساد کشتگان انقلابورا

در سقز و سندنند چه دندان میگیرند

xxxxxx

آی... خطابم باشماست

شما که با سوزن وهم

وصله پینده میکنید نظم جهنمی کهنه را

شما که با مقتعه تزویر

می پوشانید چهره کریه عجز و سرمایه را

شما که زنجیر می بافید

تا به بندافکنید

انقلاب نا تمام توده را

خطابی زان روچنین نقرت زای
که از قلب انقلاب شعله میکشد
و شما کشتا رگران رهروان آنید
آری اینگونه خطا بیم باشماست
باشما جانیا ن کوچك
که جنایتها ی بزرگ را حمل میکنید
بر کول های نحیف

۲ مرداد ۵۹

آی... خطا بیم باشماست ای جانیا ن کوچك سرمایه
(خطا بهای برسنگ مزار رفیق شهرام)

مایا کوفسکی

www.iran-archive.com

شما که سینه کشتگاہای نبرد دهقانی را

شخم میزنید

چونان گرازان

با دندان تانکها تان

ویرجای می نهید رستم های سرمایه

که تباہ کنید دانه های روئیده آینده

شما که درآمیخته اید

تاپ تاپ قلب پاسدا را نظم ستمگرا نه را

با غرش تپنده کارخانه ها

آری

باشما هستم

که نمیدانید

توده ها از تبار پرستگرا نند

وزودیا دیر

سربرآورده از دریای توفنده ستیز طبقات

بگسیخته زنجیر پندارها

چشم دوخته بر روشنائی فانوس سترخ حقیقت ها

با زبان تفنگهای فاتحان

به خشم خواهند پرسید تان

که به دادخواهی خلق بود آیا؟

دوباره در بگشودید بیدارگاههای پنهان

که به دادخواهی خلق بود آیا؟

پشته پشته از کشته های خلق انباشتید!!

که به دادخواهی خلق بود آیا

استخوان کار

در کارخانه های بیدار

سوزاندید!!

و گوشت تنمان را

در کشتزار

جویدید!!

های باشما هستم

یا آنگاه هم

توان خوشتر قیامتتان خواهد بود؟

xxxxxx

آری خطابم باشماست

نه آنچنان به زبونی سازش سراپانی

چونان متهای که میچرخد و میچرخد

چونان پتکی که میکوبد و میکوبد

آری باشما هستم

نه بگونه پندبافانی و

به عجز لایه گویانی

چونان رعدی که میگرد و میسوزاند

باشما

که نبوده اید بیشتر از جلادانی حقیر

باشما که سر را بر سر میزنید و سر را بر سر میزنید

که به خود فروشی

دربار از سرمایه برهنه میشوید

باشما که جنون آسا

به روستاهای تسلیم نا پذیر

مرگ هدیه برده اید

و در چارچوب میهن

با خون خلق

خفا بسته اید

با اینهمه از غرش مارش انقلاب خلق

در زبونی تان

گرفتارید گرفتارید

آری خطابم باشماست

خطابی آشتی نا پذیر

نه زان رو که گشته تان میچکد خون رفیقان

به خانواده گرامی رفیق تقی شهرام

درود و همدردی ما را بپذیرید.

سخن از شهادت رفیق تقی، فرزند دلیر شما و یا روفا دارکارگران و زحمتکشان بمیان آوردن، آنهم پس از سالها مبارزه بی امان و خستگی ناپذیرش، نمیتواند ما را جز به ادای احترام وادارد. او در مرحله ای دشوار را مبارزات رهایی بخش خلقهای ما قدم به میدان مبارزه گذارد و با مشکلات گوناگون آن دست و پنجه نرم کرد و قهرمانیهای بسیار از خود نشان داد. او در طول سالیان سیاه گذشته لحظهای از پای نایستاد، لحظهای در برابر دشمن خلق سرخم نکرد، هرگز در دفاع از منافع زحمتکشان دست نکشید و سرانجام با حماسه ای که در طول یکسال زندان انفرادی در جمهوری اسلامی آفرید، بدست چنانیکاران رژیم حاکم بشهادت رسید. او با مصائب و تهمتها و فشارهای ضد انقلابی گوناگونی که تحمل نمود و مقاومت آشتی ناپذیری که از خود نشان داد ثابت کرد که بعنوان يك انقلابی کمونیست هرگز حاضر نیست منافع خلق و انقلاب را قربانی کند، هرگز حاضر نیست ولو به قیمت جان خود حتی ۵ دقیقه علیه مجاهدین خلق و نیروهای انقلابی صحبت کند، هرگز حاضر نیست صلاحیت دادگاهی ضد مردمی را تأیید کند که ماهیتا و بهیچوجه حق رسیدگی به فعالیتهای يك سازمان انقلابی را ندارد. او همانطور که خود گفته بود در برابر دشمنان خلق، دشمنان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کوچکترین امتیازی نخواهد داد و ایستاده خواهد مرد.

بی تردید او بسان ستاره ای درخشان بر پیشانی مبارزات انقلابی میهن ما میدرخشد و سهمی که شما طی سیزده سال مبارزات او تحمل کرده اید و شجاعتی که از خود نشان داده اید و بیویره روحیه مقاوم و تسلیم ناپذیر شما نه تنها برای آن رفیق شهید بلکه برای همه ما درس آموز و افتخارآمیز بوده و میباشد.

هم اکنون که رفیق تقی از میان ما رخت بر بسته است، فرزندان دیگر شما در راه تحقق آرمانهای اوجیت نابودی ارتجاع و سلطه امپریالیسم، استقرار جمهوری دمکراتیک خلق و برپا شدن سوسیالیسم، آری در راه پیروزی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بمبارزه ادامه خواهند داد و بدون شك زندگی و مبارزه رفیق تقی را همواره چون تجربه ای غنی در مدنظر دارند. ما همزمان رفیق تقی بشما افتخار میکنیم و خود را در غم شما که غم همه کارگران و زحمتکشان میهن ماست که چنین دوست و یا روفا داری را از دست داده اند، همریک میدانیم.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵۹/۵/۵

"از سالهای ۴۵-۴۴ یعنی از سنین ۱۸-۱۹ سالگی فعالیت در یک گروه مذهبی - سیاسی را که خود و تنی چند از همفکران پایه گذاران بودیم با هدف خودسازی و مطالعه سیاسی باید شروع آغاز کردیم. این دوره همراه بود با فعالیت شدید صنفی - سیاسی در دانشگاه و شرکت در تظاهرات و اعتصابات اواخر ۴۵ و سال ۴۶ به بعد دانشجویی و همچنین شرکت در جلسات بحث و تفسیر مسعود هدایت و رابندای سال ۴۸ و رسماً به عضویت سازمانی صنفی درآمدیم که بعدها نام مجاهدین خلق به خود گرفت. بعد از طی دو و نیم سال فعالیت حرفه ای در این سازمان در شهریور ۵۰ همراه عددهای دیگر از همزمان دستگیر شدیم و بعد از طی مراحل مختلف بازجویی در شکنجه گاه این در دادگاههای نظامی شاه که بسیار قاطعانه صلاحیت آنها همراه بود به حداکثر مجازات یعنی ده سال حبس محکوم شدیم. در دیماه ۵۱ به دلیل فعالیت شدید سیاسی در زندان و ایجاد یک پرونده توهین به مقام سلطنت توسط پلیس موقت قصر به زندان ساری تبعید شدیم. در ادامه فعالیت سیاسی در این زندان به غیر از سازمان دادن چند اعتصاب عمومی علیه زندانبانان اساساً روی تبلیغ سیاسی و آماده نمودن یکی از افسران زندان که مناسب تشخیص داده شده بود و برای فرار از زندان و پیوستن

"به انقلابیون متمرکز بود که بالاخره این تبلیغات موثر واقع شد و طی یک طرح موفقیت آمیز همراه شهید حسین عزتی و افسر مذکور به علاوه ۲۰ قبضه سلاح اسپرنگ و مقدار زیادی مهمات و سی و ۵۰۰۰۰۰۰۰ در بهار ۵۲ موفق به فرار از زندان و تماس با تشکیلات تا نیمه سال ۵۶ زندگی سراسر رنج و مصیبت بار صنفی را دوشید و در کنار دیگر انقلابیون جان برکف ادامه دادیم. در نیمه اول ۵۶ برای شرکت در یک اجلاس تشکیلاتی که به لحاظ امنیتی در خارج از کشور تشکیل میگردد و پاره ای مسئولیتهای دیگر بطور مخفی به خارج عزیمت کرده و سپس در اوائل حکومت بختیار بازگشت مخفی به ایران و شرکت در قیام بهمن ماه ۵۷ و سپس بعد از پیروزی انقلاب بازگشت به نزد خانواده و پس از ۷ سال زندان و شکنجه و در بدو و شروع کارهای شوریک در حدود مسائل انقلاب که با دستگیری در تیر ۵۸ مقارن میگردد."

(نقل از مصاحبه اول)

سرودها ی آخرین دیدار با يك كمونیست

بیا در فیق شهید محمد تقی شهرام

بگوستا رگان سرخ را

تا يك امشب خونین ترا ز همیشه بدرخشند

که آخرین تبش های دلش

خون تازه میپاشد

بر سرا سرمیه

و ما به آخرین دیدار میرویم

xxxxxx

بگوسپیده دمان را تا يك امروز

شتا بان ترا ز همیشه بال بگشایند

که پیکر خونینش با پلکهای گشوده زخم

ولعناك

به انتظار آخرین آفتاب

بر خاک مانده است *

و ما به آخرین دیدار میرویم

بگو بگو به موج در موج بیرق سرخ

که اینك

سرکش ترا ز همیشه

در بارهای خونین سحرگاهان قدیرا فرزند

که پیراهن گلگونش

سرفراز

در دریای پرچم های انقلاب به اهتزاز درآمده است

و ما به آخرین دیدار میرویم

xxxxxx

آه یاران یاران !

این قلب

نه فریادی شکسته نخواهد شد

این قلب به سوگواری

دهان بسته نخواهد شد

ما را به وصیتنا مرفیق شهرام

تا در آسمان میهن ما هر شب

با رنگبارهای جانیا ن

می آ میزد

آن آخرین آوازه های دلیر سرخ

تا خون شتك زده بر افق های دورست

هر شب

می باشد

بذخشم

ما برهنه خواهیم کرد

زخم تازه ی مان را

ما فریاد خواهیم زد

نامی را که با پیکارهای آشتی ناپذیر گشت

آ میخته

و بیا ز خواهد ماند

و در خاطر سرخ آینده

ما پیراهن سوراخ سوراخ کشته مان را

بر خواهیم افراشت

و چونان بیرقی

بر کولهای مان حمل خواهیم کرد

ما فریاد آخرینش را

تکرا خواهیم کرد

آ انسان که تاب می آورد درد

آ انسان که شعله میکشد عشق

آ انسان که با هر فواره خونش

بر سینه شب مرگبار روشن کردار

خال کوبی میک

xxxxxx

آه ...

زیباست

زیباست فرمان "آتش!" **

ازدهان تو

آنگاه که بادهای طوفانزا منتظرند

تا آخریق کلامت را

بربالها بگیرند و

تا آینه بگسترند

آنگاه که پرندگان جوان

در انتظار آموختن آخرین آواز تومانده اند

تا سالهای سال

به چهره بخوانندش

آنگاه که کوهساران

گوش تیز کرده اند

طنین عاشقانه صدايت را

تا دورستها

بتکرار بنشینند

آری

اینگونه است کمونیست!

که فرمان میدهی به مرگ

که حتی مرگ را ببازی میگیری

تو

تو که اینچنین با زندگی "عهدیت دیرینه بود

تو

تو که میخواستی چشمهايت

حتی بگاه مرگ

آفتاب بنوشند

تو

تو که تکرار میکردی:

این رسم ماست که ایستاده بمیریم xx

xx اشاره به وصیتنامه رفیق شهرام

اینگونه است

آری

کمونیست!

که حکایت امروز

برمدا رحما سه میچرخد

نه انسان که آنا زیده عبث

زوزه کشیدند

تا جفا یتکاری شایرا

پنهان دارند

در پس بهانه های خطاکاری دیروزت

نه

نه

ما از تبار پنهانکاران نیستیم

ما زخمهای دودزای انقلاب را

عریان میکنیم

تا خلق

با دستهایش نیشترزند بر چرکدانه ها

و مرهم نهد، بر جراحتها

آری

مرهم نهد، مرهم

چرا که میداند

"و"

خودسرودی است اینک

بلند

از سرخترین واژه های

انقلاب

که "و"

خودکشتن را میست

اینک

از دانه های رهائی

که "ا" و "پیکری است

خفته در راههای نبرد

که "ا" و "

خوداختری خونین است

از وفاداری

بر آسمان پیکارهای توده‌ای

و ما از خون تسلیم‌ناپذیرا و میا موزیم

که وفادارمانیم به انقلاب

سوگند سوگند سوگند

که ما با پرچمهای افراشته‌مان

وفادار خواهیم ماند

ما با تفنگهای پر

وفادار خواهیم ماند

ما با خورشید و آله‌های آگاهی

وفادار خواهیم ماند

ما در زیر تازیانه‌های این نظم‌جهنمی

وفادار خواهیم ماند

ما در گردانهای گرسنگان

ما با آرمان کارگران

وفادار خواهیم ماند

ما در آتش رنجبران

ما در راههای پیکار برای فتح جهان

وفادار خواهیم ماند

ما وفادار خواهیم ماند به انقلاب

آستان که وفادارماند

با آخرین قطره‌های سازش‌ناپذیر خون

و توده‌ها خواهند دانست خواهند دانست

اما شما

شما چه میکنید؟

شما با سرهای پنهان نیز بردا من قباها تان

با سرهای بریده یا ران چه میکنید؟

آنان که تنها گناهشان این بود

که دیرگاهی

بیرقص رخ‌رانی را

از سنگری به سنگری دیگر بردند

و انگشت‌آشاهشان

ستاره‌ها را در آن دورست می‌نمود

وسپیده فردا را،

نشانه میرفت

آری

شما چه میکنید

با سرهای بریده کردی

ترکمنی

عربی

آنان که تنها گناه دارن نوشته بر پیشانی‌شان

تیش‌های آزادقلیشان بود

و با کلام شعله‌ور رنج

به لب‌هایشان

و توده‌ها خواهند دانست خواهند دانست ...

و آخرین کلام را توده‌ها خواهند گفت

آه ... می‌شنویدم

آخرین کلام را

آنگاه که با واژه‌های تهدید گرمیایند

میایند

میایند

تا بر تخت بنشینند

به خونخواهی انقلاب

و شما چه میکنید آنگاه

ای کشتارگران رهروان انقلاب؟

شما چه میکنید؟

xxxxxx

با دستی ستاره‌کاشتن

با دهنی صبح را زمزمه کردن

واینچنین در پیچا پیچ نیکا رها از راه و بیراه
گذر کردن

اما همواره سرودن از مردم

مردم

مردم

و آخر

در آن پستگاه زندگی

تمام

جویباری سرخ شدن

و بوسه خون خاک میهن زدن

و پیوستن به پیوستن

به دریای توفانی خون انقلاب

به دریای خون گردی

به دریای خون ترکمنی

به دریای خون آشوبگر دهقانی

به دریای خون متلاطم کارگری

و اینست حکایت او

در آ میختن در آغوش نبردهای توده‌ای

و غسل یافتن در خون انقلاب

و چون اخگری سرخ

میان اخگران سرخ

درخشیدن !

آرامیدن

آنان که دریایی آرام بیکران

و مرگ را تحقیر کردن

با لبخند درخشان زندگی

بر لبان

و اینست حکایت او !

یاد تقی شهرام را گرامی بداریم

در سحرگاه روز پنجشنبه ۲ مرداد گلوله های ارتجاع بار دیگر سینه مبارز دیگری را آماج خود قرار داد. کسانیکه خود دست به کشتار انقلابیون مبارز میزدند، جانیانی که دستا نشان به خون هزاران تن از فرزندان خلق آغشته است حال با چهره " عدل الهی " وارد صحنه شده و فرزند دیگری از خلق را میربایند و چون گل پرپرش میسازند.

تقی شهرام که در زمان رژیم شاه جلاد با پایداری و عزم راسخ مقاومت کرد، در زندان رژیم جمهوری اسلامی نیز راهی بجز راه خلق نرفت و قهرمانانه جان برکف نهاده، در راه خلقش شجاعانه جان نثار کرد. جلادان جمهوری اسلامی به شیوه آریامهری از هیچ گونه شکنجه روحی و جسمی تقی شهرام فروگذار نکردند و بارها برای او صحنه اعدام نمایش ترتیب دادند تا مگر روحیه رزمجو و مقاوم او را تضعیف کنند. اما زهمی خیال باطل، انقلابیون دوراه رسیدن به آرمانهای مقدسشان هر گونه مشقتی را تحمل میکنند. مادر تقی شهرام دریاد بود پسرش میگفت:

" وقتی که آخرین شب قبل از اعدام به ملاقاتش رفته بودم نشستم و با هم صحبت کردیم، پاسداران میآمدند و میگفتند وقت تمام است، اما من نمیرفتم و گفتم که باید يك روز در سلول پسرم بخوابم و تا يك شب پهلوی پسرم نمانم بیرون نمیروم شهرام به من اصرار میکرد که مبادا برای رژیم خود شیرینی کنی و به من گفت که به اعدام کنندگانم بگوئید در روز روشن من را اعدام کنند، چشمانم را باز بگذارند و فرمان آتش را خودم بدهم. " مادر تقی شهرام قهرمانانه افزود:

‘من يك تقی از دست داده ام اما هزارها تقی بجای او دارم‘ :

خواهر تقی شهرام گفت وقتی پیش او میرفتیم دو یا سه دقیقه احوال پرسی میکردیم و بقیه اش درباره مردم و مبارزاتشان و آنچه که در بیرون میگذاشت حرف میزدیم. مادر شهید " عزیز ستمدی " دریاد بود شهرام چنین گفت: " . . . تا برقراری حکومت کمونیستی از پای نخواهیم نشست، تا برقراری حکومت کارگری از پای نخواهیم نشست. "

آری تا آخرین قطره خونمان خواهیم جنگید و انتقام تقی شهرام را از جلادان خواهیم گرفت. رژیم جمهوری اسلامی باید بداند که روزی قطره های خون شهرامها در رگهای خلق ما خواهد جوشید و آنوقت مسببین این جنایات را به زیاده دانی تاربخ خواهیم سپرد.

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

زنده باد دلاوری خلق

بهروز باد مبارزات برحق خلقها بر علیه امپریالیسم و ارتجاع

سازمان رزم کارگران

این اسمان غمزده غرق ستاره هاست هنوز
باز هم دستهای نا به مرق خونین ارتجاع، به خون انقلابی کبیری
آغشته شد و سرود دیگری ایستاده مرد.
هیئت حاکمه ایران که مانند سگان فقط در تاریکی و ظلمت شبهای
سیاه می تواند زوزه بکشد، دست به جنایت دیگری زد و انقلابی ای را
که ۱۳ سال سابقه مبارزه اش با امپریالیسم و سگان زنجیرش
داشت، به شهادت رسانید.

جرم او کشتن جاسوسان امریکائی بود. جرم او کشتن سرهنگان مزد
دور شاهنشاهی بود جرم او این بود که حاضر نشد بخاطر جانش به
موقعیت نیروهای انقلابی آسیب وارد کند.
رفیق شهید محمد تقی شهرام، با شهادت سرخ خود مشقت
محکمی برپوزه هیئت حاکمه ضد انقلابی کوبید. هیئت حاکمه ضد انقلابی
ایران فکر می کند که می تواند با کشتن شهرام، مبارزه طبقاتی رو به اوج
کارگران و زحمتکشان را خاموش سازد و یا با قرار دادن نام شهیدای
انقلابی در کنار نام کودتا چپانی که در ماهیت با خودشان تفاوتی
ندارند، اربابان را لوک کند. زهی بشری و وقاحت.
رفیق شهید شهرام خود می گوید: "وقتی که قدم در راه مبارزه
گذاردیم بخوبی می دانستیم که کمترین چیزیکه در این راه بر

باید انتظار داشته باشیم حبس و شکنجه و مرگ است عمل و زندگانی
سراسر مبارزه من که مشتمل بر ۱۳ سال فعالیت سیاسی و انقلابی
می شود بخوبی می تواند پاسخگو باشد که آیا بر پیمان و عهد خود برقرار
بوده ام یا نه ؟ اری در راه رهایی کارگران و زحمتکشان حبس و شکنجه
و مرگ کمترین چیزی است که باید انتظار داشت .

رفیق شهید ، شهرام ، قسم به خون پاکت ، راه سرخت را تا به
آخر ادامه خواهیم داد . و ارمانت را که همانا آزادی زحمتکشان است
بیاری کارگران و زحمتکشان جهان تحقق خواهیم بخشید .
پیکار زحمتکشان گود این شهادت سرخ را به خانواده شهید و
تمام کارگران و زحمتکشان ایران تبریک می گوید و با خوش پیمان ادامه
راهش را می بندد .

پیکار زحمتکشان گود
هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

"پیام گود نشینان دروازه غار هوادار رزمندگان آزادی
طبقه کارگر به خانواده شهید رفیق کبیر محمد تقی شهرام"

خبر کوتاه بود تقی شهرام تیرباران شد . اری یار دیگر دست
جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی این حامیان سرمایه به خون رفیق
کبیری که سالیان دراز عمرش را در راه رهایی خلق و آزادی طبقه کارگر
صرف کرده بود رنگین شد رفیقی که لحظه ای برای رسیدن به ارمان طبقه
کارگر از پای ننشست و تمام هم و غمش خلق و طبقه کارگر بوده است
رفیقی که سراسر زندگی اش مبارزه و جانفشانی و اعدام انقلابی مستشار
ران امریکائی بوده است ، رفیقی که در تمام بیدارگاههای ضد خلقی
شاه و جمهوری اسلامی دوباره تاریخ کلمه نه را زنده کرد کمتر کسی
است که با نام رفیق محمد تقی شهرام آشنا نباشد و گوشه ای از مبارزات
چندین ساله رفیق را نشنیده باشد . رفیق بدست جنایتکارانی شهید
شد که پرونده سیاه ۱۸ ماهه آنان برای تمام زحمتکشان روشن است که
این پرونده تنها از خون شهیدان راه آزادی گلگون شده است . جنایتکار
کارانی که برای تثبیت قدرت خود از هیچ عملی که بتواند پایه های
حکومتشان را برای مدتی هم که شده تثبیت کند فروگذاری نمی کنند .
رفیق شهرام بدست جنایتکارانی شهید شد که قبلا این جنایتکاران
دستشان به خون خلق کرد ، خلق ترکمن ، خلق عرب ، به خون صیادان

پندر انزلی، به خون کارگران بیکار اصفهان، اندیشک، درود، رودسره،
 کرمانشاه به خون دانشجویان دانشگاه و به خون ده داران کنار خیابان
 رنگین شده بود. این میوه چینان قیام ۲۲ بهمن تصور می کند که با
 پائین کشیدن چند ستاره از آسمان پرستاره مبارزان خلق ایران می توانند
 این آسمان را از ستاره ها خالی کنند این فکر همچون بوتیمار فکری تهی
 است که تنها از مغز علیل مرتجعین و حامیان رژیم سرمایه داری وابسته
 می تراود چون با بزمین کشیدن چند ستاره باز می بینیم این آسمان
 غمزده غرق ستاره هاست افسوس صد افسوس برای این حامیان جامعه
 طبقاتی و هزاران هزار شادی برای ما که با ریختن حتی یک قطره خون
 رفیق کبیرمان هزاران هزار لاله خواهد روئید که این لاله های جوان راهی
 را خواهند رفت که رفیق تقی برای ما در دوره چندین ساله مبارزه اش با
 دگرگذاشته است ما تنها کافی است که آخرین برخورد رفیق با مزدوران
 جمهوری اسلامی را برای خود الگو کنیم. رفیق در آخرین روزه های
 زندگی اش در سلول انفرادی بود که قدوسی مزدور به سلول او رفته و به
 او می گوید تو دوراه داری یا اینکه در تلویزیون ظاهر می شود و بر علیه
 مجاهدین و سازمان های کمونیستی سخنرانی می کنی و یا مرگ را انتخاب
 می کنی. رفیق با قلبی اکده از کینه و عشقی لبریز به خلق برچهره آن
 مزدور تف می کند و می گوید راه دوم را انتخاب می کنم. رفیق با عشقی
 بس بزرگ و با سینه ای باز به پیشباز مرگ رفت. رفیق بنا به گفته پاسدا
 رانی که مواظب او بودند وصیت می کند که او را در موقع طلوع افتاب
 اعدامش کنند تا اینکه او خورشید عالم تاب را ببیند ولی جنایتکاران
 جمهوری اسلامی که دستشان تا مرفق به خون زحمتکشان اغشته است
 وصیت او را نیز قبول نکردند رفیق تقی را در سپیده دم دوم مرداد از
 سلول بیرون آوردند رفیق بنا به گفته پاسداری که شاهد بیرون آمدن و
 تیرباران رفیق بود سرود خوانان به طرف میدان تیر می رفت و در آخرین
 لحظه باز برای اینکه لوزش دستان دشمن را در مقابلش ببیند دستور
 اش را خودش داده بود، فریاد زد زنده باد سوسیالیسم، زنده
 باد خلق. اری کوردلان و مرتجعین می پندارند تقی را کشته اند اما
 غافل از اینکه تقی در قلب انقلابیون و زحمتکشان زنده است تقی در قلب
 بچه های گود زنده است تقی با آرمانش در کارخانه در قلب کارگران آگاه و
 مبارز زنده است تقی از بین ما رفت تقی مرگ سرخ در راه آرمان زحمت
 کشان را به ننگ و سازش با هیئت حاکمه ترجیح داد اما افسوس که در

این مقطع انطور که باید و شاید سازمانهای انقلابی بجای اینکه —
توده‌ها، به قدرت لایزال خلق و طبقه کارگر بیندیشند به قدرت ضد خلق
حکومت چشم دوخته‌اند و در این مقطع انطور که باید از رفیق کبیر —
حمایت نکردند، مهم نیست تاریخ را توده‌ها می‌سازند هر نیروی —
نیروهای درون جنبش ایران تن به سازشکاری بدهند و با —
بنیان کن توده‌ها نابود خواهند شد و نیز دیری نخواهد پایید که توده —
ها همچون سیل خروشان بیا خواهند خواست و بساط تنگین این تازه
به قدرت رسیده‌ها را بر خواهند کرد و آن روز روزی است که ارمان تقی
به ما بشارت داده یعنی سوسیالیسم و آن روز روزی است که مردم از
شهرام‌ها اسطوره خواهند ساخت و برای نسل‌هایشان خواهند گفت که
چگونه مردان و زنانی وفادار به ارمان زحمتکشان و طبقه کارگر این دره را
از خاکستر خود پر کرده‌اند، دره بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم که
بر روی خاکستر استخوان شهرام‌ها بیا خواهد شد تقی نمرده او در قلب
ما زنده است او در قلب فرزندان آن کارگر شهید اکباتان زنده است،
او در قلب فرزندان گودنشینان زنده است هر جا که پلیس مزدور سرمایه
اداری به طرف زحمتکشان نشانه می‌رود تقی با چهره‌ای از خون گلگون
زنده است و در چهره پژمرده و زرد ولی امیدوار فرزندان کارگران زنده
است، تقی و ارمانش در کارخانه زنده است و بین سرمایه و کار اخلاص
می‌کند تقی در لابلای کتابهای کمونیستی زنده است. اری انان فقط
توانستند جسم تقی را تیرباران کنند غافل از اینکه ارمان تقی —
انسانها وجود دارند، وجود دارد و هر روز شهرامی دیگر با خ —
خود این درخت را ابیاری می‌کند. اری شهید هرگز نمی‌میرد و به قول
عمو "هو" ما نمی‌میریم. ما هر ساله در ساقه‌های پر بار برنج دوباره
خواهیم روئید و هر دانه مان به خوشه‌ای بدل خواهد شد. ما نمی —
میریم چرا که خلق زنده است، چرا که زندگی نمردنی است و جهان رو
به پیش می‌رود و ما نمی‌میریم و رفیق تقی زنده است رفیق تقی در قلب
هر مبارزی زنده است چهره رفیق تقی ما را در هر کوچه و گود و هر کوی
و برزن که بوی فقر می‌دهد، می‌بینیم چونکه تقی متعلق به محرومان جا —
مع بود چهره تقی را ما بار دیگر در مبارزه کارگران بر علیه سرمایه —
خواهیم دید چهره رفیق را در چهره فقر زده ان خواهیم
دید. رفیق تقی را ما در چهره آن شیرزن کرد خواهیم دید که ۴
فرزندش را برای آزادی خلقها ایشار نموده است چهره تقی را ما در قیام

خونین سوسالیسم خواهیم دید زیرا که عشق تقی به سوسالیسم
و خلق او را به میدان تیر نرستاد ما چهره تقی را در چهره ان بند
لنگه‌ای می بینیم که تنها روزگار خود و خانواده اش را دو نخل تامین می-
کند . خلاصه در هر چه که نگاه کنی که مهره طبقاتی بران خورده باشد
تقی در آنجا حاضر است و ما گود نشینان جنوب شهر هوادار سازمان
رزمندگان آزادی طبقه کارگر شهادت رفیق کبرمان را به خانواده واقوا-
مش تبریک می گوئیم و سوگند یاد می کنیم که تا خون در بدن داریم-
راه رفیق شهرام را ادامه خواهیم داد یادش با ادامه راهش گرامی باد .
درود بر تمام شهدای به خون خفته خلق درود بر تقی شهرام

کروهی از گود نشینان دروازه غار هـــــوادار
سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگـــــر

رژیم جمهوری اسلامی بالاخره در ادامه مجموعه سیاستها و تاکتیکهای تهدید، ارعاب، فشار روحی و... نسبت به رفیق انقلابی محمد تقی شهرام که از یکطرف برای بهره برداری از اشتباهات بخش منشعب سازمان مجاهدین و رفیق شهرام و در نتیجه افشاندن تخم کینه و نفاق میان کمونیستها و دمکراتهای مذهبی بود و از طرف دیگر شکستن اراده رفیق شهرام و در نتیجه تضعیف اراده فولادین انقلابیون کمونیست و دمکراتها میباشد، بدلیل مقاومت و سرسختی و سازش ناپذیری رفیق شهرام با شکست مفتضحانه ای روبرو گشت.

تیرباران رفیق شهرام از یکطرف کوشش برای تیرباران همه اراده های پولادین است که امروز در راه آرمان والای خلق های زحمتکش ما بر علیه این رژیم خود کامه میجنگد و از طرف دیگر ادامه تمامی کوششها و توطئه های رژیم برای از بین بردن و برهم زدن صفوف واحد ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی کمونیستها و دمکراتهای مذهبی میباشد. در عین حال تیرباران رفیق شهرام عکس العمل زیوانه رژیم نسبت به سبلی محکمی است که رفیق تقی شهرام بر گونه زرد و کرمه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و سردمداران جنایتکار و مکار آن نواخته است.

تیرباران رفیق انقلابی محمد تقی شهرام ادامه مجموعه سیاستهای منافشات جوانه، خائنانه، جمهوری اسلامی با امپریالیستها از یکطرف و از طرف دیگر بعنوان نتیجه منطقی این خیانتها، ادامه مجموعه جنایات و کشت و کشتار و ضرب و جرح این رژیم بر علیه مجموعه مردم زحمتکش و نیروهای سیاسی پاسداران منافع آنهاست.

شما باید به خود ببالید که توانسته اید فرزندی شجاع و سرسخت با اجتماع تحویل دهید. فرزندی که علیرغم تمامی فشارهای روحی و جسمی توانست در مقام یکی از میراث داران، فدakarها و شجاعتها و دیگر سنن انقلابی جنبش مسلحانه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته در مقابل خیانتکاران و جنایتکاران جدید بقدرت خیزده باشد.

امروز شما باید بخود ببالید که فرزندان توانسته با خون خود نهال واقعی انقلاب را آبیاری کند همان انقلابی که انقلابیون کمونیست و سایر دمکراتها پاسدار آن هستند.

خورشید حقیقت رفته رفته از افقهای دور دست سر بر می آورد. توده های زحمتکش خلق در اثر تخریب بیات هر روزه خود و افشاگرهای نیروهای انقلابی و کمونیست به تدریج بر ماهیت ضد خلقی این رژیم آگاهی می یابد و مهبای یک مبارزه سرسخت و قهرآمیز بر علیه آن میگردند. بر راستای این آج گیری مبارزه توده ها است که مقاومت و ایستادگی و ادامه مبارزه فرزندان انقلابی شما تا پای جان معنای والائی می یابند.

مجموعه این مبارزات آنچنان ترس و رعبی در دل دشمن افکنده که امروزه خود سردمداران رژیم از سر ریا مجبور به اعتراف شدند که آری "ما انقلابی عمل نکردیم" و "دستگاه های ما هنوز طاغوتی است" اما رژیم حاکم از این مظلوم نمائی ها طرغی بر نخواهد بست. رفیق محمد تقی شهرام با ایستادگی خود در مقابل رژیم نشان داد که نباید گول فریبکارهای این شیادان را خورد.

ما در اینجا از فرصت استفاده نموده و یک بار دیگر تجدید عهد می نمائیم که تا سرنگونی این رژیم لحظهای آرام نگیریم و وظائف انقلابی خود را در جهت آگاهی سیاسی و سازماندهی توده مردم زحمتکش برای سرنگونی این رژیم و کسب قدرت سیاسی ادامه دهیم، و در جواب ارتجاع حاکم در دادگاه فاشیستی رفیق شهرام (که در عین حال میدانیم که پاسخ رفیق شهرام نیز هست) در آنجائیکه باو گفته بودند که "ما در مقابل رژیم محمد رضا شاه کوتاه نیامدیم و در مقابل توهم کوتاه نخواهیم آمد" خواهیم گفت که ما کمونیستها همچنان که برای سرنگونی رژیم فاشیستی شاه پیگیرتر، مصمم تر و آشتی ناپذیرتر از همه جنگیدیم، سال کمال قاطعیت اعلام میداریم که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که جز حفظ سیستم سرمایه داری وابسته ای ندارد با توانی بیش از پیش و متکی به مشن پرولتری خواهیم جنگید.

بیاد شهید بخون خفته ، فرزند دلیر و مبارز و بیاد قهرمان مقاوم و سبیل آزادی
که عدايش را در گلو خفه کردند و برای گرامیداشت فرزندان دیگر شهید میان
دورهم جمع شده ایم ، یادتی شهرام را گرامی میداریم و راهش را ادامه ده
خواهیم داد .

یا در رفیق تقی شهرام همیشه زنده است

ارتجاع و امپریالیسم بداننده تا زمانی کهستم طبقاتی هست ما با افتخار هر روز
شهادت رفیقی را نظاره گرمیشویم و تا زمانی که خیم امپریالیسم و استعمار را
بگیریم با سر بلندی ایستاده مردن رفیقانمان را به توده ها می نمایانیم .
یاران ! با ردیگر دشمنان توده ها کمونیستی را بخون کشیدند این نه برای ما
عجیب است و نه برای رژیم . ما دشمنیم با امپریالیست ما دشمنیم با ارتجاع پس
طبیعی است که ارتجاع و امپریالیسم ما را بخون بکشند همچنانکه بیاری توده ها
ما نیز خواهیم کوشید بر مراسم دفن ارتجاع و امپریالیسم پایکوبی کنیم . رژیم
این بار گلی را از گلستان انقلاب چید که رژیم منفور شاه با همه تلاشهایش برای
دستگیری و تیرباران رفیقمان شهرام به عجز و لایه نشسته بود . رژیم گلی را از
گلستان انقلاب ربود که آمریکای خائن در انتقام خون مستشاران خائنش که
بدست شهرام کشته شده بودند هنوز بخود می پیچید و امروز شادمان است که رژیم
جمهوری اسلامی انتقام خون جلادان آمریکائی را از شهرام گرفت .
ما نمیگوئیم رفیقمان شهرام اشتباه نکرد تنها آنکس که مبارزه نمیکند هرگز
اشتباه نمیکند مهم اینست با این اشتباه چگونه برخورد کند . برخورد انتقادی
رفیق نسبت به شهادت شریف و اقفی و حماسه مقاومت دلیرانه اش در مقابل رژیم
جمهوری اسلامی که بدفاع از انقلاب جان نثار کرده رفتار یک کمونیست دلاور بود و
چنین است که به سر بلندی میگوئیم زندگی و شهادت رفیق شهرام حماسه زندگی

وشها دتيك كمونيست بود.

بگذا را مپريا ليسم و ارتجاع هرروز زحمتكشان ما را در كرستان و گنبد و خوزستان
بخون بكشند. بگذا رهرو زياران انقلابيمان شويش تريها و مودنها و را
تيرياران كنند. دير نيست تا توده ها طناب دارا برگردن ارتجاع و امپريا ليسم
تنگ تر و تنگ تر كنند. خون سرخ شهرام گواهي است بر پيروزي آينده توده ها.

درود بر خاطره تافناك رفيق قهرمان محمدي شيرام

جاودان باد خاطره همه شهيدان بخون خفته خلق

مرگ برا مپريا ليسم و ارتجاع

دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.iran-archive.com

پیام گروهی از هواداران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر خوزه شرق تهران به

خانواده قهرمان شهید محمد تقی شهرام

با ردیگریکی از فرزندان راستین خلق، یکی از ستارگان آسمان خلق ایران رفیق محمد تقی شهرام بدست جلاان جمهوری اسلامی، این ناجیان ظلم و ستم و سرکوب بشهادت رسید. شهرام اسطوره شد اسطوره ای در تاریخ مبارزات خلقهای ایران، اسطوره ای از مبارزه و مقاومت. کمتر کسی است که رفیق و تاریخچه زندگی خستگی ناپذیرش را نشناسد. رفیق که بخاطر عشق به رهائی زحمتکشان از زیر یوغ ظلم و ستم سرمایه پا به میدان مبارزه گذارد و درین راه نیز عاقبت به شهادت رسید.

رفقای چون شهرام نیک میدانستند تا زمانی که در جامعه اکثریت زحمتکشان به کار و زحمت مشغولند اقلیتی سرمایه دار از خون آنها به حیات ننگین خود ادامه میدهند.

زمانی که میدیدند کارگران صبح به اردوگاه سرمایه میروند و غروبگاه با تنی خسته و رنجور به خانه هایشان باز میگردند، زمانی که میدیدند دهقانان که بخاطر گذراندن صبح تا شام در زیر آفتاب سوزان کار میکنند و دست آخر مشتی زالدو سترنج زحمتکشان را به یغما میبرند زمانی که میدیدند کودکان را و بچه های آنان را اگر میان خاک و خل زندگی میکنند زمانی که میدیدند خلق کرد و دیگر خلقهای ستمدیده را به گلوله های آمریکائی و اسرائیلی می بندند زمانی که میدیدند چگونه مبارزات کارگران را به خاک و خون میکشند زمانی که میدیدند که زحمتکشان از فقر و بدبختی به ستوه آمده اند و زمانی که میدیدند رنجهای دیگر را آری رفیق شهرام شناخته بود علت تمام فقر و بدبختی تمام زحمتکشان را و از همین رو بود که به خاطر آزادی خلق و طبقه کارگر از هیچ کوششی دریغ نکرد. همچنانکه در ۱۳ سال زندگی انقلابی خود هرگز هیچ گونه سستی برای نابودی این نظام پوسیده بخرج نداد. رفیق شهرام را در عرض یکسال زندان انفرای با هزاران شکنجه روحی و جسمی مورد آزار قرار میدادند تا شاید بتوانند از رفیق برای مقاصد ضد خلقی خودشان سودجویند. اما اراده پولادین رفیق خیلی محکمتر ازین بود که این مرتجعین فکر میکردند چنانکه روزی قدوسی این مزدور جمهوری اسلامی به سلول رفیق ویرود و از او میخواهد بر علیه نیروهای انقلابی کمونیست صحبت کند و الا او را خواهند کشت و رفیق راه دوم را می پذیرد و در نامه ای می نویسد: (ما آموخته ایم که ایستاده بمیریم و هرگز در اصول خود سازش نکنیم من هرگز در دفاع از انقلاب و آرمانهای انقلابیم ذره ای تردید نشان نخواهم داد و هر آینه باندهای سیاه و مرتجع فعال در داستانهای در توطئه خود که ریختن خون من جزئی از آن است موفق گردند همچنان استوار با سری افراشته و بالایی خندان سرب مذا ب را پذیرا خواهم شد آری این رسم ماست که ایستاده بمیریم.)

رفیق تقی شهرام رژیم را که کمر بر سر کوب خلقها و زحمتکشان بسته است به رسمیت نمی شناسد و در راه مبارزه با دشمنان خلق چه کمونیست و ارباب شهادت میرسد، زندگی کمونیستی و شهادت کمونیستی او چراغ راه مادر راه آزادی طبقه کارگر خواهد بود.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی باید بداند که رفیق نمرده است رفیق در قلب تمام زحمتکشان جهان زنده است رفیق در میدان مبارزه کار و سرمایه است رفیق در قلب تمام بچه های آگاه و زحمتکشان شرق تهران زنده است رفیق را مادر میان خلق کرد می بینیم که درستیز ندب دشمنان خلق، ایستاده است. ما گروهی از هواداران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر حوزه شرق تهران به خون سرخ ولاله خیز رفیق شهید تقی شهرام و تمامی شهیدان بخون خفته خلق سوگند یاد می کنیم که براهش و آرمانش پایدار خواهیم ماند ما یاد گرفتیم مبارزه استقامت و شهادت و شهادت را از رفیق شهرام، مرتجعین باید بدانند که با رفتن شهرامها از میان ما آنها در قلب ما زنده اند و خون رفیق کبیر جاری خواهد شد از کوهها و از دشتها خواهد گشت و بر جای خود هزاران لاله سرخ دیگر خواهد رویا نید و در میان توده ها خواهیم گفت خوش را، همراهش را، و آرمانش را، پس آنگاه از پشت سیاهی شب بیرون خواهد آمد خورشید فروزان عالم آفتاب و در آن روز نابود خواهند کرد دیده های رفیق شهرام را و برقرار خواهند کرد روی خاکستر رفیق شهرامها پرچم سرخ سوسیالیسم را

جاودان باد خاطره پرافتخار رفیق محمد تقی شهرام
 درود بیکران به رفیق کبیر محمد تقی شهرام و خانواده قهرمان او
 جاودان باد یاد شهیدان راه آزادی طبقه کارگر

هواداران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر حوزه شرق تهران

پیام دانش‌آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر «نازی آباد»
شهادت انقلابی خستگی‌ناپذیر رفیق تقی شهرام که در پگاه ۲ مرداد ۵۹ بخاطر وفاداری
به آرمان خلق بدست حامیان سرمایه بشهادت رسید را به مادر مبارز او و همچنین به تمام
پیوندگان راه او تسلیت و تهنیت می‌گوئیم • با میدا نروزی که از هر قطره خون تقی هزاران
تقی بروید •

دانش‌آموزان هوادار سازمان پیکار در راه
آزادی طبقه کارگر «نازی آباد»

www.iran-archive.com

بگذا رزبونا نه زوزه کشند، بگذا ردیوانه واحمله کنند، بگذا رجون خرسی درآتش به
هرسوی هجوم آورند و بگذا رآتش گلوله های آمریکائیشان درسینه پیکا رجویان راه
رهاشی خلق لانه گزیند !

یاران چه زیباست آنزمانی که آنان ،مزدورانی که شکستشان را درچهره اش می بینند،
لرزان و وحشتزده میبرندش و آتسان مردانه گامهایش را ،استوار به جلو بر میدارند !
یاران ! چه زیباست آنزمان که مزدوران ارتجاع چهره مزور و ترسانشان را به کف
راهروی زندان دوخته بودند و آتسان با گردنی افراشته به ستارگان صبح مینگریست
گامهای استوارش صدای گامهای رفقایمان را به خاطر می آورد ، صدای گامهای توماج ها
و مهدی علوی ها !

آنان که در راهی که اوبدان گام نهاده جزویرانی کاخهایشان را نمی بینند ، میخواهند
با گذا ردنش در کتا رمزدورانی که همچون خودشان هدفی جز کشتار و سرکوب خلق ندارند ،
وحشت را از وجودشان دور کنند ! میترسند که بنویسند بخاطر چه اهدای به جوخه اعدام
سپردندش ، میترسند بنویسند که چه مردانه به تمام نقشه های کثیفشان جواب رد داد .
فکر میکنند که با دفن جشش در کتا رمزدوران امپریالیسم ، دیگر شکوفه های زحمت ورنج
در مزارش نخواهد روئید ؟ چه زبون ورز شدند ! آنها تیدانند که هر سحرگاهان اودر صدای
رگبار مسلسل خلق کرد بر میخیزد و سلاح بدوش میگیرد ! آنها نمیدانند که اوهربا مدادان
درسوت کا رخا نه چرکین که اجساد هزاران زنده پوش را پس از کا رخا نه به بیرون می اندازد
بپا می خیزد ! آنها نمیدانند که در کتا رخویش رنجبران ترکمن ، در میان گندمزارهای
خون سبز میشود و قد بر میکشد ! آنها نمیدانند که اودرسوتنی شتریانان بلوچ تا
سحرگاهان نغمه مینوازند ! آنها نمیدانند که اودر فریاد صوف رنج که فریادنان ،
مسکن ، آزادی را سر میدهند ، می خروشد !

اما رفیق به گامهای استوارت سوگند ! به خون پاکت که بوی رزم قهرمانانه
کمونیستها را میدهد سوگند ! به پایداریت که از آلمان زحمتکشان مایه گرفته سوگند
که تا نابودیشان از پای ننشینیم ! از خاکسترو وجودمان پر میکنیم درهای را که بین
جامعه پوسیده شان تا کمونیسم فاصله انداخته است و در اقیانوسی که از خون ورنج و
زحمت است غرق میکنیم بنای فرتوت کفتاران پیر سرمایه را !

جاودان باد خاطر رفیق شهرام و همه شهدای بخون خفته خلق !

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی !

دانش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان پیکا ردر راه
آزادی طبقه کارگر

پیام به کلیه نیروهای انقلابی و توده‌های آگاه

بازی دیگر گلوله‌های آمریکایی رژیم حافظ سرمایه‌داری سینه مبارزی دیگر را

شکافت و یکی دیگر از رزمندگان کمونیست بخون درگلتید.

دیگر امروز کسی پوشیده نیست دولتی که دم از حقوق مستضعفین می‌زده حتی ابتدائی

ترین حقوق انسانی را نیز به هیچ می‌گیرد.

دولتی که خواست حق طلبانه خلقهای ستمدیده کُرد، ترکمن، ترک و عرب را با گلوله پاسخ

میدهد. رژیمی که مبارزات بی‌کس را در درود و اندیمشک بوسیله پاسدا را ن سرمایه به

خون میکشد اینک در مرگ مجاهدین اشک تمساح میریزد و فریاد قصاص خواهی سر میدهد.

رژیمی که هر روز در گوشه و کنار کشور بوسیله ایادی پنهان و آشکار خود مجاهدین را بشهادت

میرساند دم از عدالت می‌زند.

این حقیران به بهانه محاکمه رفیق محمدتقی شهم در واقع قصدی جز لوٹ کردن نام

سازمانهای کمونیست و انقلابی ندارند و برای رسیدن به این هدف بائی ندارند که چون

دادگاههای آریا مهری به کثیف‌ترین حیلها دست بیازند. اما هرگز نمیتوان مبارزات

رزمندگان جان برکف خلق را با این صحنه‌ها زیبا از یاد برد. تاریخ در حرکت خود اینان

را نیز چون خاشاکی به زباله‌دانی خواهد سپرد.

خلق همیشه ناله‌فرزندان خود را بخاطر می‌سپارد و نام رفیق محمدتقی شهم را انقلابی

پیگیر که نه در زمان جلادان آریا مهری و نه در این زمان هرگز منافع خود را در نظر نداشته

و تنها در راه خلق خود می‌جنگید برای همیشه در تاریخ جاویدان خواهد ماند.

آری رفیق این رسم توسست که ایستاده بمیری و سرفرو دنیا وری. اما ای رفیق به خون پاکت

سوگند یاد میکنیم که در راه آرمانهای والای زحمتکشان بجنگیم. همان آرمانهایی که تو

سیزده سال بخاطرش جنگیدی و سرانجام نیز در راهش جان خود را فدا کردی. بدان که راهت ادامه

دارد و اینان نمیتوانند مبارزات مردم افزون خلق را با گلوله‌های آمریکایی خاموش کنند

همانگونه که آریا مهریها نتوانستند.

فریاد زحمتکشان اسلام شهر هواد را زمان پیکار در راه

آزادی طبقه کارگر

پیام انقلابیون آزادی طبقه کارگر به خانواده رفیق شهرام ورزمنندگان کمونیست
اعدام رفیق شهید محمدتقی شهرام بیانگرو حشت رژیم از کمونیستها • برگی دیگر از
درخت کهنسال خنجر کمونیستی ایران بر زمین افتاد و رفت تا خاکسترش در عمیق بین سرمایه داری
و کمونیسم را پر کند • رفیق محمدتقی شهرام انقلابی بی سابقه و مبارز خستگی ناپذیر بود
که تحت دشوارترین شرایط سالها بر علیه رژیم ضد خلقی شاه و اربابان امپریالیستی اش
جنگید • ورزمندهای پر شور و کمونیستی وفادار به اصول عقیدتیش بود و همانطور که در
نامه های بیکی از همزنجیرانش نوشته بود هرگز در اصول سازش نکرد و رسم کمونیستها را ادا
کرده های ستاده مرد •

رژیم که در رسیدن به هدف پلیدش تا کام مانده بود، نومیدانه اقدام به محاکمه رفیق نمود
محکمه ای که بیش از پیش عوام فریبهای رژیم در مورد "عدالت اسلامی" و "مراسوا
ساخت آنها حتی اجازه داشتن وکیل مدافع را به رفیق شهید ندادند • و پیش از ترتیب
دادن بیدارگاهی غیر علنی که بدرستی یادآور صحنه سازیهای مسخره رژیم شاه بود و رفیق
را با اصطلاح محاکمه و محکوم به اعدام کردند • در اینجا آنها حتی قوانین اسلامی ادعایی
خویش را در مورد حق دفاع متهم زیر پا گذاشتند و این درحالی است که جلادان ساواک همچون
تهرانیه ها، کمالیه ها و ... روزها فرصت دفاع داشتند و طی تمامی مراحل بازجوئی
نازکتر از گل نشنیدند • با آنها با آنکه میدانستند اعدام رفیق، موجی از خشم و نفرت
توده ها را بر علیه شان بر خواهد انگیخت و چهره جدایتکارشان را رسوا تر خواهد نمود •
باز هم به اعدام رفیق شهرام میادزت ورزیدند • چرا؟ فقط به این دلیل که رژیم
جمهوری اسلامی همانند تمامی رژیمهای سرمایه داری، بیشتر از هر چیز کمونیستها، این
دلیرترین وفادارترین فرزندان خلق وحشت دارد • آری اعدام رفیق شهرام نیز
بیانگر این واقعیت است •

جاودان باد خاطره پرافتخار رفیق محمدتقی شهرام

انقلابیون آزادی طبقه کارگر

چرا حکومت جمهوری اسلامی اینقدر از کمونیستها و انقلابیون میترسد؟ چرا وحشیانه به دستاوردهای انقلاب یورش میبرد؟ چرا فرزندان دلیر خلق را با پرونده سازی به جوخه اعدام می سپارد؟

جواب روشن است زیرا میدانند که کمونیستها تا آخرین قطره خون خود را از آرمان والای طبقه کارگر دفاع خواهند کرد و سرمایه داران و حامیان آنها بدرستی دشمنان خود را شناخته اند، تقی شهرام این مبارز خستگی ناپذیر سالهای ترور و خفقان که با قهرمانی از چنگال جانیان ساواک جان سالم بدر میبرد، در حکومت جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده میشود.

هیئت حاکمه سرمست از بیتاراج دادن اهداف انقلاب هر روز بهانه جدیدی برای پوشاندن حقایق بدست می آورد. تقی شهرام در مقابل بیدادگاه جمهوری اسلامی بهترین راه ممکن را برگزید. دادگاه را دارای صلاحیت ندانست، کمونیستها هرگز به مردم دروغ نمیگویند و تقی شهرام هرگز دروغ نگفت. هیئت حاکمه می پنداشت با محاکمه کردن این رفیق انقلابی میتواند سازمانهای انقلابی را در مقابل هم قرار داده و شهرام را علیه سازمانها به قرار وادار نماید. اما او بزرگتر از اینها بود. با عدم شرکت خود در دادگاه توطئه ننگین رژیم را خنثی نمود. نام شهرام برای همیشه در تاریخ انقلابی ایران ثبت گردید. تقی شهرام با رفتارش درسی بزرگ به همه انقلابیون سخت کوش وطن آموخت مادر این رفیق نیز با مقاومت خود روحیه مبارزه مادران واقعی را نشان داد.

بخاطر پاك اين رفیق انقلابی سوگند می خوریم که تا آخرین قطره خون خود را در سنگرمبارزه باقی مانده و آرمان طبقه کارگر را ارج نهیم. سازمان رزم کارگران به مثابه بخشی از جنبش کمونیست ایران و به سهم خود در بزرگداشت این رفیق مبارز خواهد کوشید. پیام تقی شهرام به انقلابیون وطن "مبارزه تا به آخر" بود. بکوشیم این پیام را برای همیشه بخاطر بسپاریم.

درود به خاطره تقی شهرام و کلیه شهدای راه آزادی و استقلال ایران
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع
سازمان رزم کارگران